میراث جنوب غرب آسیا
HERITAGE OF SOUTHWEST ASIA

طبقه‌بندی و بررسی سنگ‌قبرهای ارمنیان چهارمحال و بختیاری (دورۀ صفویه تا پهلوی)[1]

واحد جولائی*[1]، فاطمه نظیفی[2] خسرو احمدی خویی[3]

[1]دکترای باستان شناسی، رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مهاباد، مهاباد، ایران.
(نویسنده مسئول)ایمیل: vahedjoolaee@gmail.com
[2]کارشناس ارشد پژوهش هنر، پژوهشگر آزاد، شهرکرد، ایران.
[3]دکترای باستان شناسی، پژوهشگر آزاد، شهرکرد، ایران.

چکیده

سنگ‌قبرها از ارزشمندترین شواهد باستان‌شناختی به‌شمار می‌روند که افزون بر جنبه‌های هنری و فنون سنگ‌تراشی، بازتاب‌دهندۀ شرایط اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و باورهای آیینی جوامع گذشته هستند. مزارستان‌های ارمنیان چهارمحال و بختیاری، به‌عنوان بخشی از شواهد حضور ارامنه در این منطقه، با برخورداری از تنوع نقوش، نمادها و کتیبه‌ها، منبعی ارزشمند برای شناخت فرهنگ، هویت و شیوۀ زندگی آنان محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل مفاهیم نقوش و کتیبه‌های سنگ‌قبرها و بررسی جایگاه اجتماعی، فرهنگی و مذهبی ارمنیان چهارمحال و بختیاری انجام شده است. پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از: سنگ‌قبرهای این گورستان‌ها از چه ویژگی‌های کالبدی و تزیینی برخوردارند و نقوش و کتیبه‌های آن‌ها چگونه باورها، هویت فرهنگی و ساختارهای مذهبی ارمنیان منطقه را بازتاب می‌دهند؟ این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و بر پایۀ مطالعات میدانی و اسنادی انجام شده است. جامعۀ آماری پژوهش شامل ۱۷ گورستان شاخص دارای سنگ‌قبرهای منقوش و کتیبه‌دار است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سنگ‌قبرها در قالب‌های محرابی، گهواره‌ای، تابوتی و ساده ساخته شده و با نقوش انسانی، گیاهی، جانوری، نمادین، اشیا، ابزار و کتیبه‌هایی به زبان ارمنی و گاه فارسی تزیین شده‌اند. این عناصر تزیینی، بازتاب‌دهندۀ باورهای دینی، ارزش‌های فرهنگی و سنت‌های هنری ارمنیان هستند. بررسی تاریخ‌های ثبت‌شده بر سنگ‌قبرها و تطبیق آن‌ها با منابع مکتوب نشان می‌دهد که بازۀ زمانی این گورستان‌ها را می‌توان از دورۀ صفویه تا پهلوی تاریخ‌گذاری کرد. همچنین، نقوش حجاری‌شده افزون بر ارزش‌های زیبایی‌شناختی، بیانگر اعتقادات، اندیشه‌ها، جنسیت، جایگاه اجتماعی و حرفۀ متوفیان هستند و از نظر نقش‌مایه و شیوۀ اجرا، شباهت‌های قابل‌توجهی با سنگ‌قبرهای هم‌دوره در مناطق پیرامونی دارند. با وجود این، ویژگی‌های محلی و هویت متمایز خود را نیز حفظ کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سنگ‌قبر، گورستان‌های ارمنیان، چهارمحال و بختیاری، نقوش و کتیبه‌ها، دورۀ صفویه تا پهلوی

۱. مقدمه

سنگ‌قبرهای گورستان‌های تاریخی، روایتی از رابطۀ بنیادین میان بستر و بافت محیط، باورهای دینی و فرهنگی، عوامل تاریخی و کنش‌های انسانی در شکل‌گیری مفاهیم و جلوه‌های هنری و نظام‌های نمادین ارائه می‌دهند و در قالب مجموعه‌ای از یادمان‌ها، نقش‌مایه‌ها و نشانه‌های انتزاعی تجلی می‌یابند. این آثار تدفینی صرفاً عناصر مادی نیستند، بلکه بازتاب‌دهندۀ ابعاد گوناگون مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و یادمانی به‌شمار می‌روند و در نتیجۀ آیین‌های تدفین و یادبود افراد شکل می‌گیرند (Mytum, 2004). سنگ‌قبرهای گورستان‌های ارمنیان استان چهارمحال و بختیاری نیز از مهم‌ترین شواهد حضور این جامعه در منطقه به‌شمار می‌روند. این آثار، با توجه به کتیبه‌ها و تاریخ‌های ثبت شده بر روی آن‌ها، منابعی ارزشمند برای مطالعۀ پیشینۀ تاریخی و پیوندهای فرهنگی ارمنیان در این حوزۀ جغرافیایی ایران محسوب می‌شوند (جولائی و نظیفی، ۱۳۹۹: ۵۳). در اوایل قرن دوازدهم هجری قمری و در پی سیاست‌های انتقال

---

[1] نسخه انگلیسی این مقاله با عنوان زیر در همین شماره مجله منتشر شده است

Typological Classification and Analysis of Armenian Tombstones in Chaharmahal and Bakhtiari Province (from the Safavid to the Pahlavi Period

پذیرفته شده آماده نشر

جمعیت در دورهٔ صفوی، به فرمان شاه‌عباس اول، شمار زیادی از ارمنیان ارمنستان به ایران کوچانده شدند و در منطقهٔ اصفهان اسکان یافتند. بخشی از آنان که در نواحی لنجان سکونت داشتند، بعدها به مناطق شرقی چهارمحال و بختیاری منتقل شدند (قنبری عدیوی، ۱۴۰۰: ۵۰).این گورستان‌ها، به‌عنوان عرصه‌هایی تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، اسناد مهمی از حضور ارمنیان در این منطقه به‌شمار می‌روند و مطالعهٔ آن‌ها اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ محل سکونت، جهان‌بینی، آداب زیست و سنت‌های تدفین این جامعه در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. اهمیت بررسی این سنگ‌قبرها تنها به جنبه‌های هنرشناسانه و فنون سنگ‌تراشی محدود نمی‌شود، بلکه آن‌ها بازتاب‌دهندهٔ شرایط فرهنگی، اجتماعی و باورهای آیینی جامعهٔ ارمنی نیز هستند و از این منظر، منبعی ارزشمند برای مطالعات فرهنگی و تاریخی به‌شمار می‌آیند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناخت مفاهیم عینی و انتزاعی تصاویر و کتیبه‌های نقش‌شده بر سنگ‌قبرها، تحلیل نقش‌مایه‌ها و کتیبه‌ها و تبیین جایگاه فرهنگی، اجتماعی و مذهبی ارمنیان چهارمحال و بختیاری انجام می‌شود. در همین راستا، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند: سنگ‌قبرهای گورستان‌های ارمنیان این منطقه از چه ویژگی‌های کالبدی و تزیینی برخوردارند و چه نوع نقش‌مایه‌ها و کتیبه‌هایی را دربر می‌گیرند؟ همچنین، این نقش‌مایه‌ها و کتیبه‌ها در بستر فرهنگی منطقه چگونه قابل تبیین هستند و چه شاخصه‌هایی از فرهنگ و مذهب ارمنیان را بازنمایی می‌کنند؟ روش تحقیق در این پژوهش از نوع بنیادی و به شیوهٔ توصیفی ـ تحلیلی است. داده‌های پژوهش از طریق بررسی‌های میدانی، مستندسازی آثار و مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. گسترهٔ پژوهش شامل مزارستان‌های ارمنیان استان چهارمحال و بختیاری است که در میان آن‌ها، گورستان‌های دارای سنگ‌قبرهای منقوش (۱۷ گورستان) به‌طور ویژه بررسی می‌شوند. در این نوشتار، سنگ‌مزارها و نقش‌مایه‌های تزیینی آن‌ها با رویکردی تطبیقی و مقایسه‌ای دسته‌بندی و تحلیل می‌شوند تا بخشی از ارزش‌های فرهنگی، هنری و اعتقادی ارمنیان این منطقه تبیین شود.

۲. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره ارمنیان ایران و میراث فرهنگی آنان را می‌توان در دو محور اصلی دسته‌بندی کرد. محور نخست به مطالعات تاریخی، هویتی و فرهنگی این جامعه اختصاص دارد. در این زمینه، هویان (۱۳۸۳) با بررسی پیشینهٔ تاریخی ارمنیان در ایران، بر پیوندهای تاریخی و هم‌پوشانی‌های فرهنگی میان ارمنیان و ایرانیان تأکید می‌کند. مهدوی و همکاران (۱۳۸۸) نیز با مطالعهٔ هویت قومی ارمنیان تهران، تداوم مؤلفه‌های هویتی این جامعه را در کنار سازگاری با محیط فرهنگی ایران نشان می‌دهند. بخشی از مطالعات نیز به بررسی میراث معماری و مذهبی ارمنیان، به‌ویژه کلیساهای تاریخی، پرداخته‌اند و نقش این آثار را در شناخت حضور فرهنگی این جامعه در ایران تبیین کرده‌اند (هوسپیان، ۱۳۹۴). تاریخ استقرار و حضور ارمنیان در استان چهارمحال و بختیاری نیز در برخی پژوهش‌ها بررسی شده است (هاشمی دهکردی، ۱۳۸۲). در همین راستا، نگارندگان نیز در پژوهشی مستقل، پیوندهای معماری ایرانی ـ ارمنی در دورهٔ قاجار را با مطالعهٔ موردی کلیسای هوهانس مقدس بررسی کرده‌اند(جولائی و احمدی، ۱۴۰۳).

محور دوم پژوهش‌ها به گورستان‌ها، آیین‌های تدفین و سنگ‌قبرهای تاریخی اختصاص دارد. در این حوزه، گورستان‌های ارمنیان در مناطق مختلف ایران معرفی و ویژگی‌های تاریخی و کالبدی آن‌ها بررسی شده است. از جمله، گورستان‌های ارمنیان آذربایجان غربی و تبریز از نظر پیشینهٔ تاریخی و ویژگی‌های معماری و محوطه‌ای مطالعه شده‌اند (شجاع‌دل، ۱۳۸۶؛ کبیرصابر، ۱۳۹۱). همچنین، بررسی سنگ‌قبرهای ارمنی گورستان سنگ سفید الیگودرز، اطلاعاتی درباره ساختار، نقوش و کتیبه‌های این آثار ارائه کرده است (صادقی و همکاران، ۱۴۰۰). بخش دیگری از پژوهش‌ها به تحلیل نقش‌مایه‌ها، نمادها و مضامین تصویری سنگ‌قبرها اختصاص دارد. در این مطالعات، عناصر تزیینی، مفاهیم مذهبی و نشانه‌های فرهنگی موجود در سنگ‌قبرها بررسی شده‌اند. برای نمونه، نقوش تصویری گورستان سفیدچاه بهشهر از منظر مضامین فرهنگی و نمادین تحلیل شده است (علی‌نژاد، ۱۳۹۳). همچنین، برخی پژوهش‌ها به بررسی نقش‌مایه‌های خاص در سنگ‌قبرهای ارمنیان پرداخته‌اند؛ از جمله نقش‌مایهٔ فرشته در آرامستان ارامنهٔ جلفای اصفهان و نقش‌مایه‌های مرتبط با مشاغل در سنگ‌قبرهای این منطقه بررسی شده‌اند (جهانمرد و ولی‌بیگ، ۱۳۹۸؛ جهانمرد و محمدزاده، ۱۴۰۲). در پژوهشی دیگر، نقوش سنگ‌قبرهای آرامستان تخت فولاد و ارامنهٔ جلفای اصفهان با تأکید بر مفاهیم دینی و تطبیق با آموزه‌های قرآن کریم و انجیل مطالعه شده‌اند (شکرپور و جهانمرد، ۱۴۰۰). همچنین، تحلیل کتیبه‌های گورستان‌های ارامنهٔ استان مرکزی، نقش این آثار را در بازنمایی هویت، روابط اجتماعی و پیوندهای فرهنگی این جامعه نشان داده است (Naeimi & Sarga, 2023). با وجود مطالعات انجام‌شده درباره گورستان‌ها و سنگ‌قبرهای ارمنیان در مناطق مختلف ایران، پژوهش‌های اختصاصی دربارهٔ استان چهارمحال و بختیاری همچنان محدود است. بررسی‌های انجام‌شده در این منطقه اغلب در قالب پرونده‌های ثبت ملی آثار تهیه شده‌اند و در آرشیو اداره‌کل میراث فرهنگی،

گردشگری و صنایع‌دستی استان نگهداری می‌شوند. این مطالعات تاکنون کمتر به‌صورت مقالهٔ علمی منتشر شده‌اند. در میان پژوهش‌های منتشرشده، تنها دو مقاله به معرفی گورستان‌های ارمنیان استان چهارمحال و بختیاری و بررسی بخشی از نقوش قبور روستای سیرک پرداخته‌اند (جولائی و نظیفی، ۱۳۹۹؛ شاطری و مالک اژدری، ۱۳۹۹). با این حال، تاکنون پژوهشی دربارهٔ طبقه‌بندی سنگ‌قبرها، نقش‌مایه‌ها و خوانش کتیبه‌های گورستان‌های ارمنیان این استان انجام نشده است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی و تطبیقی، به طبقه‌بندی و بررسی نقوش و کتیبه‌های سنگ‌قبرهای ارمنیان استان چهارمحال و بختیاری بپردازد.

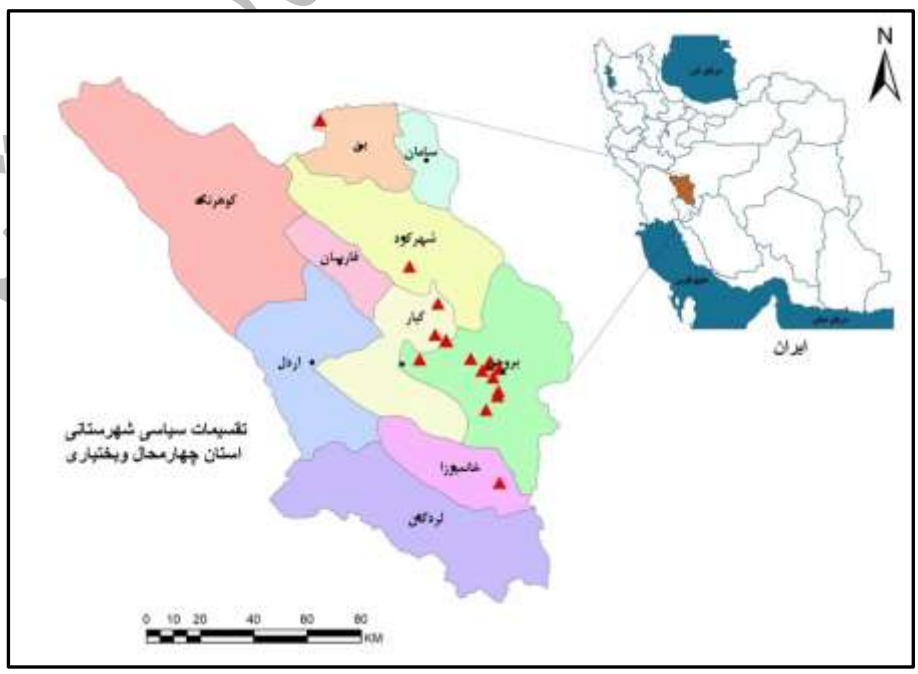
۳. روش‌شناسی

این پژوهش از نوع بنیادی و با روش توصیفی ـ تحلیلی انجام می‌شود. داده‌های پژوهش از طریق بررسی‌های میدانی، مستندسازی گورستان‌ها، مطالعات اسنادی و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. در این راستا، گورستان‌های ارمنیان استان چهارمحال و بختیاری شناسایی و مستندنگاری شده و اطلاعات حاصل از بررسی‌های میدانی شامل تصاویر، طرح‌ها، کتیبه‌ها و سایر داده‌های مرتبط با سنگ‌قبرها گردآوری و تحلیل شده‌اند. گسترهٔ پژوهش شامل مزارستان‌های ارمنیان استان چهارمحال و بختیاری است. با توجه به تمرکز این پژوهش بر بررسی نقش‌مایه‌ها، کتیبه‌ها و ویژگی‌های هنری سنگ‌قبرها، گورستان‌های دارای سنگ‌قبرهای منقوش و کتیبه‌دار (۱۷ گورستان) به‌عنوان جامعهٔ مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. معیار انتخاب این گورستان‌ها، برخورداری از نمونه‌هایی قابل بررسی از نظر نقش‌مایه‌های تزیینی، کتیبه‌ها و قابلیت مستندسازی داده‌های کالبدی و تصویری بوده است.در این پژوهش، ویژگی‌های کالبدی سنگ‌قبرها، گونه‌شناسی فرم‌ها، نقش‌مایه‌های تزیینی، نمادها و کتیبه‌های موجود بررسی و طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین، با بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی، نقش‌مایه‌ها و ویژگی‌های هنری سنگ‌قبرهای مورد مطالعه با نمونه‌های هم‌دوره در مناطق پیرامونی، به‌ویژه گورستان‌های ارمنیان دیگر مناطق ایران، مقایسه و تحلیل می‌شوند تا مؤلفه‌های مشترک، تفاوت‌های منطقه‌ای و ویژگی‌های بومی این آثار تبیین شود.

۴. سنگ‌قبرهای ارمنیان چهارمحال وبختیاری

الف) موقعیت جغرافیایی منطقه

استان چهارمحال و بختیاری با مساحت ۱۶۴۱۱ کیلومتر مربع در جنوب‌غرب ایران و در گسترهٔ رشته‌کوه‌های زاگرس قرار گرفته است. این استان از شمال و شرق با استان اصفهان، از غرب با استان خوزستان، از جنوب با استان کهگیلویه و بویراحمد و از شمال‌غرب با استان لرستان هم‌مرز است (سعیدیان، ۱۳۸۸؛ بی‌نا، ۱۳۹۲). بر اساس آخرین تقسیمات کشوری (۱۴۰۱)، این استان دارای ۱۲ شهرستان، ۲۸ بخش، ۵۱ دهستان، ۴۰ شهر و ۷۵۸ آبادی دارای سکنه است (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت گورستان های ارمنیان در تقسیمات سیاسی استان چهارمحال و بختیاری(منبع:نگارندگان براساس بی‌نا، ۱۴۰۱: ۵۲).

قرارگیری استان در زاگرس مرکزی، سبب شکل‌گیری ناهمواری‌های گسترده، ارتفاعات مرتفع، دشت‌های میان‌کوهی و دره‌های عمیق در این مطنقه شده است (Davoudian Dehkordi et al.,2025). میانگین ارتفاع استان از سطح دریا بیش از ۲۰۰۰ متر است و قله زردکوه بختیاری با ارتفاع ۴۲۲۱ متر، مرتفع‌ترین بخش آن به شمار می‌رود (بی‌نا، ۱۳۹۲). از نظر اقلیمی، چهارمحال و بختیاری دارای اقلیم غالب سرد کوهستانی است و الگوی بارش آن عمدتاً تحت تأثیر سامانه‌های بارشی مدیترانه‌ای و ناهمواری‌های زاگرس قرار دارد. این شرایط موجب شکل‌گیری بخش مهمی از سرشاخه‌های حوضه‌های آبریز کارون و زاینده‌رود و توسعه مراتع و پوشش گیاهی نسبتاً غنی در استان شده است (بی‌نا، ۱۳۹۲). با این حال، مطالعات اقلیم‌شناسی نشان می‌دهد که طی دهه‌های اخیر، روند افزایش دما، کاهش بارش در برخی نواحی استان و کاهش تعداد روزهای برفی، به‌ویژه در ایستگاه‌های پربارش، قابل مشاهده است؛ موضوعی که بیانگر تأثیرپذیری استان از تغییرات اقلیمی و تشدید تنش‌های آبی در سال‌های اخیر است (آروین و همکاران، ۱۳۹۵).

ب) پیشینهٔ حضور ارامنه در استان چهارمحال و بختیاری

اگرچه پیشینهٔ حضور ارمنیان در ایران به هزاره نخست پیش از میلاد بازمی‌گردد، استقرار گسترده آنان در نواحی مختلف کشور عمدتاً در دوره صفویه و در پی سیاست‌های اسکان شاه‌عباس اول (۹۹۶–۱۰۳۸ ق) صورت گرفت (هویان، ۱۳۸۳: ۶). در پی جنگ‌های ایران و عثمانی و به‌منظور جلوگیری از نفوذ و سلطه عثمانیان بر جمعیت ارمنی، گروهی از ارمنیان از سرزمین‌های ارمنی به مناطق داخلی ایران کوچانده شدند و بخشی از آنان در استان چهارمحال و بختیاری استقرار یافتند (تاج‌بخش، ۱۳۷۳؛ هویان، ۱۳۸۳: ۶).

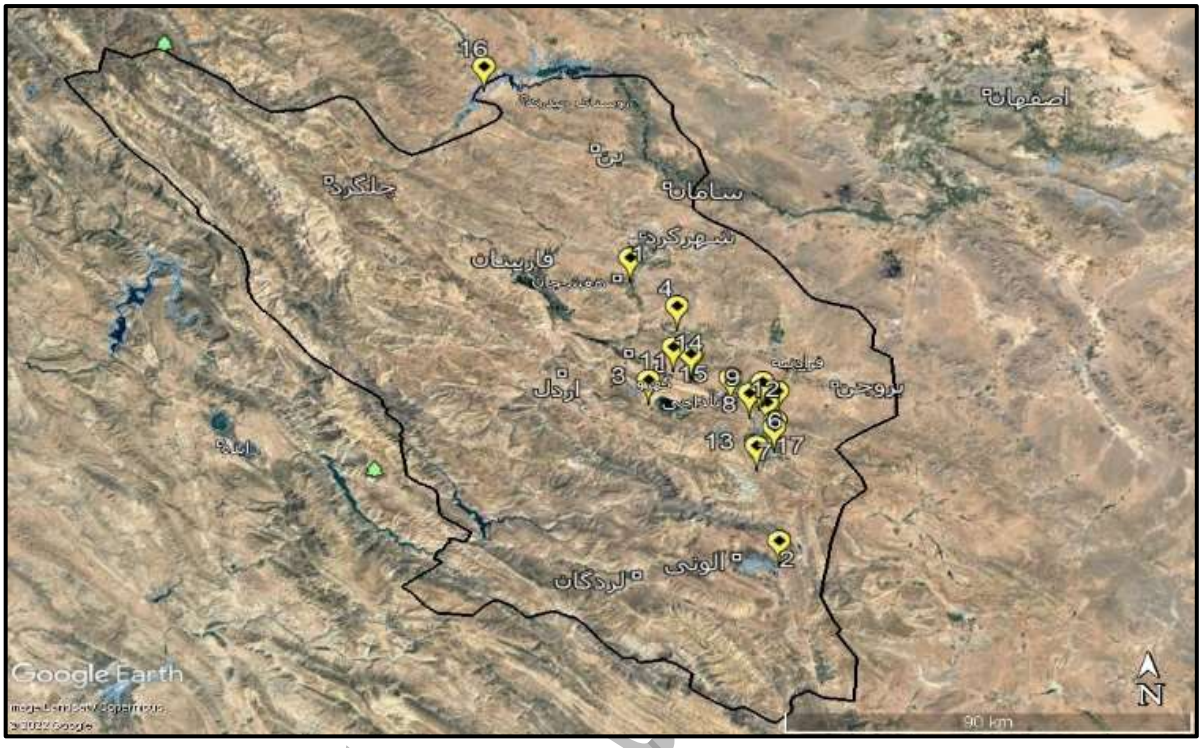
در دورهٔ صفویه، به خانواده‌های ارمنی ساکن چهارمحال، اراضی کشاورزی واگذار شد. آنان طی مدت کوتاهی با احداث خانه، کلیسا، مدرسه، آسیاب و در برخی نقاط نقاره‌خانه، سکونتگاه‌های جدیدی را بنیان نهادند و در توسعه کشاورزی و آبادانی منطقه نقش مؤثری ایفا کردند (ساریان، ۱۳۶۰: ۲۶۰). ارمنیان حدود ۳۵۰ سال در این استان سکونت داشتند و عمده فعالیت اقتصادی آنان بر کشاورزی و دامداری استوار بود. زنان ارمنی نیز افزون بر فعالیت‌های خانوادگی، در قالی‌بافی و گلیم‌بافی مهارت داشتند و این صنایع‌دستی بخشی از معیشت خانوارهای آنان را تشکیل می‌داد (قنبری عدیوی، ۱۴۰۰: ۵۴؛ هاشمی دهکردی، ۱۳۸۲: ۳). بر اساس بررسی‌های میدانی، ارمنیان تا سال ۱۳۵۸ در استان چهارمحال و بختیاری حضور داشتند؛ اما در دهه‌های پس از انقلاب، بیشتر آنان به اصفهان و سایر شهرهای کشور مهاجرت کردند. در نتیجه این مهاجرت، بسیاری از سکونتگاه‌های ارمنی خالی از سکنه شد و تنها کلیساها، گورستان‌ها و دیگر آثار تاریخی آنان به‌عنوان شواهد حضور این جامعه در منطقه باقی ماند. مزارستان‌های ارمنیان نیز متناسب با پراکنش سکونتگاه‌های آنان، عمدتاً در نیمهٔ شرقی استان و در شهرستان‌های شهرکرد، کیار، بروجن و لردگان قرار دارند. بر اساس بررسی‌های میدانی نگارندگان، آخرین فرد ارمنی ساکن استان چهارمحال و بختیاری، آقای مانوک قراخانیان، در سال ۱۳۹۶ در روستای سیرک درگذشت و مطابق آیین تدفین ارمنیان در گورستان همان روستا به خاک سپرده شد. سنگ‌قبر وی نیز بر اساس سنت رایج سنگ‌قبرهای ارمنی ساخته و نصب شده است.

ج) توصیف کلی مزارستان‌ها (جامعه آماری، ریخت‌شناسی و تاریخ‌گذاری)

پراکندگی گورستان‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های ارامنهٔ استان چهارمحال و بختیاری عمدتاً در شهرستان‌های شهرکرد، بروجن، کیار، بن و لردگان قرار داشته‌اند (شکل ۲).

الف) جامعهٔ آماری: در این پژوهش، ۱۷ مزارستان متعلق به جامعهٔ ارامنهٔ این استان مورد بررسی قرار گرفته‌اند که همگی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند (جدول ۱). افزون بر این موارد، چند مزارستان دیگر نیز در سطح استان شناسایی شده‌اند؛ اما به‌دلیل فقدان اطلاعات کافی و نبود ویژگی‌های شاخص در سنگ‌قبرها از جمله مزارستان بلداجی شماره ۲ و مزارستان روستای تشنیز در این نوشتار لحاظ نشده‌اند. مساحت میانگین مزارستان‌های بررسی‌شده حدود یک هکتار است و به‌طور متوسط، هر یک از آن‌ها ۱۲۳ قبر را در خود جای داده‌اند. در این میان، مزارستان غرب آقبلاغ با وسعتی بالغ بر سه هکتار، بزرگ‌ترین و مزارستان بلداجی با مساحت ۲۸۰۰ مترمربع،

کوچک‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌روند. همچنین، مزارستان سیرک با ۴۰۰ سنگ‌قبر در عرصه‌ای به مساحت ۵۶۰۰ مترمربع، بیشترین تعداد قبور را در خود جای داده است (شکل ۳).



شکل ۲. موقعیت مزارستان‌های ارمنیان در استان چهارمحال و بختیاری (جولایی و دیگران ۱۳۹۹).

ب) ریخت‌شناسی: بر اساس شیوه حجاری و فرم کلی، سنگ‌قبرهای ارمنیان چهارمحال و بختیاری در چهار گروه اصلی طبقه‌بندی می‌شوند: دستهٔ اول: سنگ‌قبرهای محرابی‌شکل (جدول ۲–۱)، دستهٔ دوم: سنگ‌قبرهای تابوتی یا مکعب‌مستطیل که بیشترین فراوانی را دارند (جدول ۲–۲)، دستهٔ سوم: سنگ‌قبرهای گهواره‌ای‌شکل (جدول ۲–۳) و دستهٔ چهارم: سنگ‌قبرهای ساده و فاقد تزیینات (جدول ۲–۴). ابعاد سنگ‌قبرها با سن و جثهٔ متوفی ارتباط مستقیم دارد؛ به‌گونه‌ای که سنگ‌قبرهای کودکان کوچک‌تر از نمونه‌های بزرگسالان هستند. در برخی موارد، به‌ویژه در سنگ‌قبرهای ساده، برای پوشش طول گور از چند قطعه سنگ به‌صورت پیوسته استفاده شده است (جدول ۲–۵). همچنین، در تعدادی از نمونه‌ها، فرورفتگی‌هایی بر سطح سنگ مشاهده می‌شود که کارکرد آن‌ها به‌طور قطعی مشخص نیست، اما احتمالاً با هدف جمع‌آوری آب، هدایت آن یا ایجاد عمق بصری در طراحی سنگ ایجاد شده‌اند. در میان نمونه‌های بررسی‌شده، برخی سنگ‌قبرها از نظر فرم، ابعاد یا شیوه اجرا، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند. از جمله می‌توان به مجسمه اسب سنگی مزارستان گلوگرد اشاره کرد که از شاخص‌ترین نمونه‌های این مجموعه است. علت جدایی سر این مجسمه مشخص نیست و در حال حاضر تنها بدنه آن باقی مانده است (جدول ۲–۶). نمونه شاخص دیگر، سنگ‌قبر متعلق به یک اسقف در مزارستان معموره است که از نظر جایگاه مذهبی متوفی و ویژگی‌های هنری، در میان سنگ‌قبرهای منطقه اهمیت ویژه‌ای دارد (جدول ۲–۷). از دیگر نمونه‌های قابل توجه، سنگ‌قبرهای دوقلو هستند که عمدتاً به زوج‌ها و در مواردی به دو زن اختصاص دارند. در این نمونه‌ها، مشخصات هر دو متوفی گاه بر روی یک سنگ و گاه بر روی دو سنگ مجزا و مجاور ثبت شده است. از شاخص‌ترین نمونه‌ها می‌توان به سه سنگ‌قبر دوقلو در شرق قلعه ممکا اشاره کرد که با نقش زن و مرد و تاریخ‌های متوالی، احتمالاً محل دفن زوج‌ها را نشان می‌دهند (جدول ۲–۸).

ج)تاریخ‌گذاری: تاریخ‌های ثبت‌شده بر سنگ‌قبرها با خط ارمنی و بر اساس گاه‌شماری میلادی نگاشته شده‌اند. نوع خط نقرشده عمدتاً به‌صورت برجسته، فرورفته و در برخی موارد به‌صورت برجستهٔ معمولی دیده می‌شود. بررسی این تاریخ‌ها نشان می‌دهد که بیشتر قبرها متعلق به دوره‌های قاجار و پهلوی هستند؛ منتهی سنگ‌مزارهایی با قدمت بالاتر نیز دیده می‌شود. با توجه به تاریخ‌های میلادی ثبت شده،

دو سنگ‌مزار قبرستان سیرک متعلق به سال‌های ۱۶۰۹ و ۱۶۹۵ م هستند و می توان این گورستان را متعلق به دورهٔ صفویه دانست. همچنین دو مزارستان وستگان و گلوگرد در زمرهٔ قدیمی‌ترین مزارهای ارمنیان استان قرار می‌گیرند. قدیمی‌ترین سنگ قبر دورهٔ قاجاریه نیز مربوط به قبور جبههٔ غربی لیواسگان با تاریخ ۱۸۵۳ میلادی است. بر اساس شواهد تاریخی و منابع مستند، از دوره صفویه گروه‌هایی از ارامنه از مناطق غربی ایران و ارمنستان تحت فرمان شاهان صفوی به مناطقی چون اصفهان و چهارمحال و بختیاری کوچ داده شدند (آرامیان، ۱۳۷۵: ۴۵؛ Kouymjian, 1997: 213). سفرنامه‌ها و گزارش‌های سیاحان اروپایی نیز حضور پایدار این جامعه در منطقه را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهد که ارامنه علاوه بر اصفهان، تا دوران قاجار و پهلوی در روستاها و شهرهای چهارمحال و بختیاری سکونت داشتند (Yildirim, 2016: 90؛ Chahin, 2001: 178). برای مثال، ژان شاردن، سیاح فرانسوی، در سفرنامه‌اش به اسکان ارامنه در اصفهان و نقش آنان در اقتصاد و فرهنگ شهر پرداخته است (شاردن، ۱۳۶۳: ۲۵۰) . بنابراین، بر اساس منابع مکتوب و شواهد بقایای کلیساهای ارمنیان در اصفهان و چهارمحال (جولائی، ۱۴۰۳: ۲۱۳) و مزارستان‌های آن‌ها در بازه زمانی صفویه تا پهلوی حضور آنان در این منطقه همخوانی داشته و بازتاب‌دهنده استمرار فرهنگی، اقتصادی و مذهبی جامعه ارمنی در منطقه طی چندین قرن است و نقش آنان در شکل‌گیری بافت اجتماعی و فرهنگی محلی را آشکار می‌سازد.

جدول ۱: فهرست مزارستان‌های ارمنیان استان چهارمحال و بختیاری(منبع: نگارندگان، ۱۴۰۵).

ردیف	نام مزارستان	موقعیت	تعداد	ردیف	نام مزارستان	موقعیت	تعداد
۱	سیرک	شهرستان شهرکرد – روستای سیرک	۴۰۰	۱۰	شرق قلعه ممکا	شهرستان کیار – روستای قلعه ممکا	۱۳۰
۲	گوشکی	شهرستان لردگان– روستای گوشکی	۱۰۰	۱۱	شمال قلعه ممکا	شهرستان کیار – روستای قلعه ممکا	۱۸۰
۳	گلوگرد	شهرستان بروجن– روستای گلوگرد	۲۰۰	۱۲	سناجان	شهرستان بلداجی– روستای سناجان	۱۰۰
۴	گشنیزجان	شهرستان کیار– روستای گشنیزجان	۳۰	۱۳	وستگان	شهرستان بروجن – روستای وستگان	۱۰۵
۵	معموره	شهرستان بلداجی – روستای معموره	۱۱۵	۱۴	حاجی آباد	شهرستان کیار – روستای حاجی آباد	۱۱۵
۶	لیواسگان	شهرستان بروجن – روستای لیواسگان	۳۰۰	۱۵	بلداجی	شهرستان بروجن – شهر بلداجی	۲۰
۷	کنرک علیا	شهرستان بروجن – روستای کنرک علیا	۹۰	۱۶	آزادگان	شهرستان بن – روستای آزادگان	۶۰
۸	غرب آقبلاغ	شهرستان بروجن– روستای آقبلاغ	۱۰۶	۱۷	کنرک سفلی	شهرستان بروجن – روستای کنرک سفلی	۲۰
۹	شمال آقبلاغ	شهرستان بروجن– روستای آقبلاغ	۵۰				

جدول ۲: شکل سنگ‌قبرهای مزارستان‌های ارمنیان چهارمحال و بختیاری(نگارندگان، ۱۴۰۵).


سنگ قبر محرابی شکل از مزارستان سناجان


سنگ قبر تابوتی شکل از مزارستان لیواسگان


سنگ‌قبر گهواره‌ای از مزارستان شمال قلعه ممکا


سنگ قبر بدون تزئین و تنها با علامت مسیح
مزارستان حاجی آباد


سنگ قبر برای تمام قدی فرد متوفی،
مزارستان حاجی آباد


سنگ قبر به شکل اسب سنگی از مزارستان
گلوگرد


سنگ قبر اسقف مزارستان معموره


سنگ قبر دوقلو مزارستان شرق قلعه ممکا


سنگ قبر با تزئین گلدانی از مزارستان آقبلاغ


شکل ۳. نمایی از مزارستان سیرک (نگارندگان، ۱۴۰۵).

د) تناسبات و شیوهٔ ساخت سنگ‌قبرها

سنگ‌قبرهای ارمنیان از نظر ابعاد، تنوع قابل‌توجهی دارند؛ با این حال، گونه‌ای غالب با ابعاد تقریبی ۱۴۱ سانتی‌متر طول، ۴۶ سانتی‌متر عرض و ۴۴ سانتی‌متر ضخامت در میان آن‌ها مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد ابعاد سنگ‌قبرها با عواملی همچون سن و جثهٔ

متوفی و در برخی موارد، جایگاه اجتماعی یا مذهبی وی ارتباط داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که سنگ‌قبر کشیشان معمولاً بزرگ‌تر و دارای تزیینات بیشتری است، در حالی که برای کودکان از سنگ‌هایی با ابعاد کوچک‌تر استفاده شده است. همچنین، محدودیت‌های ناشی از ابعاد سنگ‌های استخراج‌شده از معادن یا کوه‌های اطراف نیز در تعیین اندازه سنگ‌قبرها مؤثر بوده است. در برخی مزارستان‌ها، به‌ویژه در وستگان و بلداجی، سنگ‌قبرها از سنگ مرمریت با تراش دقیق و کیفیت اجرای مطلوب ساخته شده‌اند. بزرگ‌ترین سنگ‌قبر شناسایی‌شده در میان مزارستان‌های ارمنیان استان، در مزارستان وستگان قرار دارد و با ابعاد ۳۲۰ سانتی‌متر طول، ۸۰ سانتی‌متر عرض و ۹۰ سانتی‌متر ضخامت، از نظر اندازه شاخص‌ترین نمونه به شمار می‌رود. در مقابل، کوچک‌ترین نمونه در گورستان آزادگان با ابعاد ۴۰ سانتی‌متر طول، ۲۵ سانتی‌متر عرض و ۸۰ سانتی‌متر ضخامت ثبت شده است. بر اساس بررسی‌های میدانی، در ساخت این سنگ‌قبرها عمدتاً از دو نوع سنگ، شامل تراورتن (سنگ رسوبی) و مرمریت (سنگ دگرگونی)، استفاده شده که از معادن و برونزدهای سنگی منطقه استخراج می‌شده‌اند. ابزار مورد استفاده در سنگ‌تراشی نیز شامل قلم، چکش، خط‌کش، مداد و رنگ بوده است. کاربرد مرمریت و تراورتن در منطقه پیشینه‌ای طولانی دارد و استفاده از این سنگ‌ها در ساخت شیرهای سنگی گورستان‌های بختیاری نیز مشاهده می‌شود[۱].

ه) گونه‌شناسی و طبقه‌بندی نقش‌مایه‌ها

نقش‌مایه‌های سنگ‌مزارهای قبرستان‌های موردمطالعه را می‌توان به پنج گونهٔ اصلی طبقه‌بندی نمود: ۱- نگاره‌های انسانی ۲- نقش‌مایه‌های گیاهی ۳- نقش‌مایه‌های جانوری ۴- اشیاء و ابزارآلات ۵- نمادهای مفهومی و انتزاعی. هر یک از این نقش‌مایه‌ها، با توجه به حرفه، جنسیت و گاه جایگاه اجتماعی فرد متوفی انتخاب شده‌اند و از این رو، بازتابی از هویت و زندگی او به‌شمار می‌روند (جدول ۳). این تنوع تصویری نه‌تنها جنبه‌های زیبایی‌شناختی دارد، بلکه حامل پیام‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی نیز هست. در همین زمینه، پورکریم دربارهٔ سنگ‌قبرها و نقوش آن‌ها چنین می‌نویسد: «مزار انسان، پیش از آن‌که گویای مرگ او باشد، نشانهٔ زندگی‌اش است؛ پس در شگفت نیستم اگر جلوهٔ هنر را در نقش و نگارهای سنگ‌قبر نیز دیدم و در تحسینش ناتوان ماندم» (پورکریم، ۱۳۴۲: ۳۱). ارائهٔ نقوش سنگ‌قبرهای مورد مطالعه به‌گونه‌ای است که مخاطب، حتی بدون خواندن نام متوفی، می‌تواند با توجه به نوع نقش‌های حکاکی‌شده، جنسیت فرد درگذشته را تشخیص دهد. برای نمونه، بر روی قبور زنان، تصاویری از فرشتگان، گل‌ها و خورشید دیده می‌شود که با لطافت و نمادهای زنانه همراه است؛ در حالی‌که قبور مردان اغلب با نگاره‌هایی از چهره‌های باصلابت و مردانه تزئین شده‌اند.

از جمله نقش‌مایه‌های رایج می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: صلیب ساده حکاکی‌شده، فرشته یا خورشید، صلیب یا گل چندپر، فرشته در بالای سر، و خورشید در هیبت انسانی (شکل ۴). فضای سنگ‌قبرها معمولاً با نقوش و تزئینات پر شده و بخش اصلی آن‌ها شامل نوشتارهایی است که اطلاعاتی از فرد متوفی مانند نام و سال وفات را در خود جای داده‌اند. در کنار این نمونه‌ها، سنگ‌قبرهایی نیز وجود دارند که به‌صورت ساده و بدون نقش‌ونگار ساخته شده‌اند. به نظر می‌رسد این تفاوت در تزئینات، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، با جایگاه اجتماعی فرد متوفی در ارتباط بوده است؛ به‌طوری‌که سنگ‌قبرهای مجلل‌تر برای افراد برجسته و سنگ‌های ساده‌تر برای افراد گمنام یا کم‌سن‌وسال در نظر گرفته شده‌اند. اکثر سنگ‌قبرها دارای قاب‌بندی مشخصی هستند که محدودهٔ نقش‌ها را تعیین می‌کند. در بیشتر موارد، کتیبه‌هایی در این قاب‌ها حک شده‌اند که اطلاعات شناسایی متوفی را ارائه می‌دهند. نگاره‌های به‌کاررفته ترکیبی از نقوش واقعی و نمادین‌اند که عمدتاً بر سطح بالایی سنگ‌قبر و گاه در کناره‌ها نقش شده‌اند. این عناصر، فراتر از جنبه‌های تزئینی، حامل مفاهیمی از هویت فرد متوفی و باورهای آیینی جامعهٔ ارمنی هستند و اغلب بار تقدس دارند. در برخی موارد، عدم رعایت تناسبات در طراحی نقش‌ها مانند بزرگ‌نمایی گل‌ها یا ابزارها نسبت به اندازه انسانی نشان‌دهندهٔ تأکید هنرمند سنگ‌تراش بر اهمیت آن نقش خاص بوده است. چنین اغراق‌هایی در نگارگری، بیانگر ارزش نمادین نقش‌مایه‌ها و تأکید بر پیام‌های معنایی آن‌هاست.

نقش‌مایه‌های انسانی: نگاره‌های انسانی عمدتاً به چند شیوه نقش شده‌اند که گاهی نقش زن و یا مرد بدون هیچ تزئین و یا عناصر دیگر یا نقش زن با دوگل زیبا در طرفین و دو فرشته در بالای سر و یا نقش مرد با اشیایی که معرف شغل متوفی است دیده می شود. نقوش انسانی اکثراً به صورت ایستاده نمایش داده شده‌اند. در برخی موارد فرد سوار بر اسب و یا همراه دو فرشته دیده می شود. نقش انسانی بالدار سوار بر اسب با نیزه ای بلند یا زن یا دو طفل در چپ و راست از دیگر موارد قابل ذکر برای به تصویر کشیدن انسان به کار رفته است. قبور مردان معمولاً با نقش‌مایه‌هایی از چهره‌های صلابت‌مند یا حیوانات نمادین تزیین شده‌اند که مفاهیمی چون شجاعت، دلاوری و جنگاوری را بازنمایی می‌کنند.

نقش‌مایه‌های گیاهی: در بسیاری از سنگ‌مزارها نقش گل و گیاه و میوه دیده می‌شود که یا در دست انسان یا در میان تصویرهایی شبیه به فرشتگان قرار گرفته یا اینکه گویی گیاهی با گل های شکفته از دستان و پشت متوفی روییده است. مواردی از نقوش گیاهی گلی است در داخل گلدان که بعضاً به اندازه قد نقش انسانی کارشده است و نگارها فرد متوفی را نشان می‌دهد که در حال نوازش گل است. بنابراین در پاه ای موارد نقوش کیاهی جنبهٔ آئینی را نشان می دهد و در بعضی موارد نقش تزئینی و پرکننده هستند.

نقش‌مایه‌های جانوری: نگاره‌های از قبیل اسب، بره، شیر و پرندگان در سنگ‌مزارها نقش شده‌اند. بیشترین نگارهٔ حیوانی که وجود دارد، متعلق به اسب بوده که در نقوش مردی که سوار بر اسب است، دیده می‌شود. از دیگر نقش‌های پرتکرار نقش شیر و انسان در هیبتی طبیعی، نقش دو پرنده زیبا در بالای متن سنگ قبر، نقش مرغی که در دست راست مردی قرار دارد و نقش دو پرنده در پایین سنگ‌قبرها است.

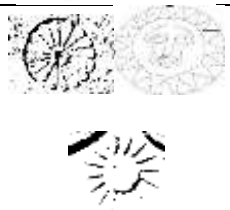
نقش‌مایه‌های اشیاء و ابزار : ابزارهایی که نقش شدند بیشتر ادوات کاربردی در زندگی روزمره‌اند و برخی از آن‌ها که بیشترین تکرار را دارند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: آفتابه و لگن: ظروف مخصوص شست و شوی دستان مهمان، خیش کشاورزی، شانهٔ موی سر که نشانه پاکی و آراستگی است و هرگاه آن شانه یک‌طرفه باشد صاحب قبر مرد و اگر دو طرفه باشد زن بوده است. قلیان یکی دیگر از نگاره‌های پرتکرار، مخصوصاً در گورستان سیرک است. قیچی بسته و شانهٔ دو طرفه: نقش قیچی بسته و شانهٔ دو طرفه در گورنگاره‌های زنان ارمنی دیده می‌شود. قیچی بسته نشان پاکی، عفت و پاک دامنی است که به صورت منفرد در پایین سنگ گور نشان داده شده است. شانهٔ دو طرفه نیز در بین نقوش زیاد دیده می شود.

نقش‌مایه‌های نمادهای مفهومی و انتزاعی: برخی از نشانه‌های مذهبی(ایمان، پاکی و عبادت) شامل نقش صلیب، محراب، فرشتگان بال‌دار با گیاهی در دست و فرشته با بدن پرنده و کلاه مخروطی شبیه به جغد از جمله نقش‌هایی است که ایمان، نوع اعتقاد و پاک بودن متوفی را در زمان حیات نشان می دهد. صلیب از نشانه های مقدس برای مسیحیان و همچنین یادآور مسیح مصلوب می باشد. در معماری ارمنی صلیب بالاترین نقطه مهراب یا گنبد کلیسا قرار دارد که همواره مسیحیان به آن ادای احترام و سوگند یاد می کنند. یکی دیگر از نقوش نمادینی که به وفور در سنگ قبرها دیده می‌شود خورشید است. محراب نیز از دیگر نمادهای مذهبی سنگ‌قبرها است. همچنین نقش گل هشت‌پر و ستاره از دیگر نقوشی است که در بین نگاره‌ها دیده می‌شود.

جدول ۳: نقش مایه‌های روی سنگ‌مزارهای ارمنیان چهارمحال و بختیاری(نگارندگان، ۱۴۰۵).

Table 3: Motifs on the tombstones of Armenians in Chaharmahal and Bakhtiari (Negarandegan, 1405).

ردیف	نوع نقش	توصیف نقوش	نمونه تصویر نقش
۱	نقش‌مایه‌های انسانی	۱- نقش زن و جام اسکیج ۲- نقش زن و مرد تنها یا در کنار هم ۳- نقش انسان تنها و ایستاده با حجاری ابتدایی ۴- نقش انسان به همراه دو فرشته ۵- نقش قربانیان به شکل سوار بر اسب در میان یک سر درب ۶- نقش مرد سوار بر اسب ۷- نقش مرد جام به دست ۸- نقش انسانی بالدار سوار بر اسب با نیزه ای بلند ۹- نقش زن یا دو طفل در چپ و راست ۱۰- نقش زن که تنها شاخه ی گل در دست دارد ۱۱- نقش زن در میان دو شاخه گل	
۲	نقش‌مایه‌های گیاهی	۱-نقش گل بوته ۲- نقش یک گل چند پر برجسته ۳- نقش صلیب تزئینی در میان شاخه گل لاله ۴- نقش شاخه گل ساده ۵- نقش گل های قرینه	
۳	نقش‌مایه‌های جانوری	۱- نقش مردی سوار بر اسب ؛ ۲- نقش شیر و انسان در هیبتی طبیعی؛ ۳- نقش دو پرنده زیبا در بالای متن سنگ قبر؛ ۴- نقش مرد که در دست راستش مرغی دارد ؛ ۵- نقش دو پرنده در پایین سنگ	

۴	**نقش‌مایه‌های اشیاء و ابزار**	۱– قیچی و آلات قالی بافی،۲– قلیان، ۳– تسبیح؛ ۴–عصای هارون، ۵– داس، خیش، ۶– گهواره، ۷–تفنگ، ۸–شمشیر، ۹–گرز، ۱۰–چکش، ۱۱–گاو آهن، ۱۲– تبر، ۱۳–سوهان ، ۱۴–چکش، ۱۵–بیل	
۵	**نقش‌مایه‌های نمادهای مفهمومی و انتزاعی**	۱–صلیب ۲– خورشید ۳– محراب، فرشتهٔ بالدار، ۴– دایرهٔ بالدار، ۵– ستاره ۶– گل هشت‌پر	

و) کتیبه و نوشته‌ها تمامی متن روی سنگ‌قبرها به خط و زبان ارمنی است و تاریخ‌ها نیز به میلادی درج شده‌اند. خطوط نقرشده در متن سنگ‌نوشته‌ها به دو صورت برجسته و فرورفته‌اند که اکثراً نوع دوم استادانه‌تر حک شده‌اند. خطوط معمولاً با کادرهای مستطیلی یا محرابی‌شکل قاب‌بندی شده اند. متن نوشته‌ها حاوی اطلاعاتی شامل نام فرد متوفی، جنسیت، تاریخ وفات و برخی مفاهیم مذهبی هستند. برخی از سنگ‌مزارها به صورت زوجی، گاه متعلق به زن و شوهر و گاه متعلق به دوزن است که برای نمونه می‌توان به نمونه‌ای از گورستان آزادگان اشاره کرد که همانطوری که در تصویر ۱۲ مشخص است مربوط است به دو خانم، که با اسامی مریم در سال ۱۹۰۰ و گلنبات در سال ۱۹۱۱ میلادی فوت نمودند، که دو تاریخ ۱۱ سال فاصله دارند و نشان می‌دهد هر دو همسر آقای آبکار بودند (جدول ۴).

جدول ۴. نوشته‌های سنگ قبرهای ارمنیان چهارمحال و بختیاری(نگارندگان، ۱۴۰۵).

Table 4. Inscriptions on the Armenian Gravestones of Chaharmahal and Bakhtiari Province (Source: Authors, 2026).

گورستان	تصویر	متن ارمنی	ترجمه فارسی
آزادگان		Ս.Ս.Լ. Մ.Ա.Լ. ՏԱՂԱՍԱՆ Ս.Հ.Պ.Ա. Ս.Մ.Դ.Ա. ՐԻԴԻ ՐԻԴԻ ԴԱՍԱՍ. Լ.Ա.Լ.Գ.Ա.Է. Ս.Ս.Դ.Ա. ՅԻՇԱՏԱԿ Ս.Մ.Դ.Ա. Ի ՔՐԻՍՏՈՍ 1900 | 1911 :تاریخ	سمت چپ: این سنگ قبر مریم، همسر آبکار است ۱۹۰۰ سمت راست: این سنگ قبر گلنبات همسر آبکار است [۱۹۱۱]
قره بلاغ		ՍՈՒՐԲ ԱՆՍ ԳՐԻԳՈՐ ԽԱՉԱՏՈՒՐ ԿԱԹՈՂԻԿՈՍ ՏԷՐ ՔՐԻՍՏՈՍ ԴԱՍԱՍՏԱՆ ՄԱՐՏԻ 1928 ՅՈՒԼԻՍ 10	گریگور خاچاطور مقدس ، جاثلیق (کاتولیکوس) خداوند مسیح (آمُرزد او را در) جایگاه خود. ۱۰ ژوئیه ۱۹۲۸
حاجی آباد		Վասն յիշատակի Զաքարիայի Մաթևոսի Կարապետեանց Գիւղն Հաջիաբադ 1912	به یادبود زکریا پسر متی کاراپتیان روستای حاجی‌آباد ۱۹۱۲
سناجان		ՏԻԳՐԱՆ ԳԱԲՐԻԷԼԻ ՍԱՐԳՍԵԱՆՑ ԳԻՒՂՆ ՍՆԱՃԱՆ 1900 ՄԱՐՏ 15	تیگران پسر گابریئل سرکیسیان روستای سناجان ۱۹۰۰ ۱۵ مارس

۶. تحلیل و بحث

یکی از مهم‌ترین کارکردهای آیینی سنگ‌قبر، ایفای نقش در مقام «نگهبانان مزار» است (یونگ، ۱۳۵۲: ۳۷۰)؛ بدین معنا که نقوش و کتیبه‌های ثبت شده نه‌تنها بیانگر یاد و خاطره فرد متوفی‌اند، بلکه نوعی بازتاب روح و هویت او نیز محسوب می‌شوند (Berkli, 2012: 34). در یک نگاه کلی، سنگ‌نوشته‌ها و نقش‌مایه‌ها ضمن ثبت نام، تاریخ وفات و هویت فرد، اطلاعاتی درباره فرهنگ و باورهای منطقه نیز ارائه می‌دهند (Furtun, 2014: 200؛ Arsalan, 2010: 1924؛ Yildirim, 2016: 90). مطالعهٔ تطبیقی سنگ‌قبرهای ارمنیان چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد که این آثار در عین برخورداری از ویژگی‌های خاص خود، در بسیاری از موارد با سنت‌های یادمانی جوامع اسلامی و ارمنی هم‌دوره در ایران و قفقاز قابل مقایسه‌اند (جدول ۶).

۶-۱-. تحلیل ریخت‌شناسی سنگ‌قبرها: ریخت‌شناسی سنگ‌قبرهای ارمنیان چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد که فرم، ابعاد و شیوهٔ استقرار آن‌ها تحت تأثیر سنت‌های مذهبی، فرهنگی و شرایط محیطی بوده است. از نظر نحوه استقرار، اگرچه در منابع مختلف به وجود نمونه‌های افقی و عمودی در سنگ‌قبرهای ارمنی و اسلامی اشاره شده است (جهانمرد و ولی‌بیگ، ۱۳۹۸؛ ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹)، اما در اینجا تمامی سنگ‌قبرها به شکل افقی دیده می‌شوند. غلبه فرم‌های تابوتی و محرابی، مشابه نمونه‌های جلفای اصفهان و آذربایجان، بیانگر تداوم سنت‌های تدفین ارمنیان ایران است (هوسپیان، ۱۳۹۴؛ جهانمرد و ولی‌بیگ، ۱۳۹۸). قاب‌های محرابی آن‌ها، در کنار مفاهیم مسیحی، از نظر ترکیب‌بندی با سنگ‌قبرهای اسلامی صفوی و قاجار شباهت دارند (احمدی، ۱۴۰۲؛ رسولی و آهو دشتی، ۱۴۰۱). این موضوع نشان‌دهنده تعامل هنری میان دو سنت فرهنگی است. استفاده از مرمریت و تراورتن و شباهت فنون حجاری با آثار مسلمانان و شیرهای سنگی بختیاری، بیانگر بهره‌گیری از منابع بومی و انتقال دانش سنگ‌تراشی میان استادکاران ارمنی و مسلمان است. در مجموع، این سنگ‌قبرها علاوه بر کارکرد تدفینی، بازتابی از تعامل سنت‌های ارمنی با هنر بومی و محیط منطقه در فاصله صفویه تا پهلوی هستند.

۶-۲. تحلیل نقش‌مایه‌های انسانی : نقش‌مایه‌های انسانی مهم‌ترین عناصر تصویری سنگ‌قبرهای ارمنیان چهارمحال و بختیاری هستند و برخلاف سنت رایج گورستان‌های اسلامی، بازنمایی چهره و اندام متوفی در آن‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. این ویژگی، ریشه در سنت تصویری هنر مسیحی و ارمنی داشته و بیانگر تأکید بر هویت فردی و منزلت اجتماعی متوفیان است (Terian, 2005؛ Berkli, 2012). مردان غالباً با پوشاک متداول دوره قاجار، ریش و سبیل و گاه اشیایی مانند قلیان یا تسبیح تصویر شده‌اند که نشانگر جایگاه اجتماعی و فرهنگ مادی آنان است (پوربختیار، ۱۳۹۹)، درحالی‌که زنان بیشتر با گل و نقوش گیاهی نمایش یافته‌اند. این نوع بازنمایی‌ها را می‌توان با نمونه‌های شرق زاگرس مرکزی (نوراللهی و علی‌لو، ۱۳۹۵)، جلفای اصفهان و تخت فولاد (شکرپور و جهانمرد، ۱۴۰۰) مقایسه کرد. از منظر تطبیقی، شیوه اجرای چهره‌ها، پوشاک و ترکیب‌بندی تصاویر با سنگ‌قبرهای ارمنیان جلفای اصفهان، تخت فولاد و گورستان‌های تاریخی آذربایجان شباهت دارد، اما نمونه‌های چهارمحال و بختیاری از نظر برجسته‌کاری و ظرافت حجاری ساده‌تر هستند؛ تفاوتی که احتمالاً به شرایط اقتصادی، کیفیت سنگ و مهارت استادکاران محلی مربوط می‌شود (جهانمرد و ولی‌بیگ، ۱۳۹۸؛ شکرپور و جهانمرد، ۱۴۰۰؛ نوراللهی و علی‌لو، ۱۳۹۵). همچنین، نوع پوشاک و ویژگی‌های چهره‌ها نشان‌دهنده تأثیر هنر دوره قاجار بر سنت سنگ‌تراشی ارمنیان است.

۶-۳. تحلیل نقش‌مایه‌های گیاهی: نقش‌مایه‌های گیاهی، پس از نگاره‌های انسانی، از فراوان‌ترین عناصر تزیینی این مجموعه به شمار می‌روند. بررسی این نقوش نشان می‌دهد که از دو شیوه اصلی در بازنمایی عناصر گیاهی بهره گرفته شده است؛ گروه نخست شامل نقوش واقع‌گرایانه، مانند گل، گلدان، شاخه، درخت و خوشه‌های گیاهی است و گروه دوم، نقش‌های انتزاعی و تزیینی، به‌ویژه نقوش اسلیمی و پیچک‌های گیاهی را دربر می‌گیرد. مشابه این الگوها در تخت فولاد اصفهان (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳) و آرامستان هفشجان (مهرابی، ۱۳۹۵) نیز گزارش شده است. همزمانی این دو شیوه، بیانگر تلفیق سنت‌های هنری ارمنی با الگوهای رایج هنر اسلامی ایران است. در میان نقوش گیاهی، گل بیشترین فراوانی را دارد و

معمولاً به‌صورت منفرد، در گلدان یا در دست متوفی، به‌ویژه زنان، حجاری شده است. گلدان نیز از نقش‌مایه‌های پرتکرار این مجموعه است و غالباً با گل‌های چندشاخه یا ترکیب‌های متقارن همراه می‌شود.. استفاده از ترکیب گل و گلدان بر سنگ‌قبرهای ارمنیان چهارمحال و بختیاری از نظر ترکیب‌بندی با نمونه‌های آرامستان ارمنیان جلفای اصفهان و تخت فولاد شباهت دارد؛ هرچند در این منطقه، اجرای نقوش ساده‌تر و با تأکید بیشتر بر خطوط اصلی صورت گرفته است (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ شکرپور و جهانمرد، ۱۴۰۰). بخش دیگری از نقش‌مایه‌های گیاهی را نقوش اسلیمی، پیچک‌ها و شاخه‌های درهم‌تنیده تشکیل می‌دهند که بیشتر به‌عنوان قاب یا حاشیه کتیبه‌ها و نگاره‌های اصلی به کار رفته‌اند. مقایسه این نقش‌مایه‌ها با نمونه‌های گزارش‌شده از آرامستان هفشجان، تخت فولاد، جلفای اصفهان و برخی گورستان‌های تاریخی آذربایجان نشان می‌دهد که در انتخاب موضوع، ترکیب‌بندی و شیوه اجرای نقوش گیاهی، شباهت‌های قابل توجهی وجود دارد (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ مهرابی، ۱۳۹۵؛ جهانمرد و ولی‌بیگ، ۱۳۹۸). با این حال، در سنگ‌قبرهای چهارمحال و بختیاری، نقش‌ها معمولاً با عمق کمتر، جزئیات محدودتر و تأکید بیشتر بر سادگی اجرا شده‌اند. این تفاوت احتمالاً ناشی از جنس سنگ، امکانات کارگاه‌های محلی و مهارت استادکاران بومی است و نه تفاوت در مفاهیم نمادین.

۶-۴. تحلیل نقش‌مایه‌های جانوری: نقش‌مایه‌های جانوری اگرچه نسبت به نقوش انسانی و گیاهی فراوانی کمتری دارند، اما از نظر مفهومی و نمادین جایگاه ویژه‌ای در هنر تدفینی این جامعه یافته‌اند. این نقوش عمدتاً شامل پرندگان، شیر، اسب، قوچ، گوزن، ماهی و برخی جانوران اسطوره‌ای هستند. در میان این نقش‌ها، پرندگان از فراوان‌ترین نمونه‌ها به شمار می‌روند و معمولاً به‌صورت منفرد یا قرینه در دو سوی صلیب، گل یا درخت زندگی دیده می‌شوند. از سوی دیگر، تقارن در اجرای این نقوش، علاوه بر ایجاد تعادل بصری، مفاهیمی همچون نظم، جاودانگی و قداست را نیز القا می‌کند. نقش اسب، هرچند در مقایسه با سایر جانوران فراوانی کمتری دارد، از شاخص‌ترین نقش‌مایه‌های این مجموعه محسوب می‌شود. نمونه شاخص آن، مجسمه اسب سنگی مزارستان گلوگرد است که از نظر فرم و ابعاد در میان سنگ‌قبرهای ارمنیان چهارمحال و بختیاری کم‌نظیر است. از منظر سبک‌شناسی، نقش‌مایه‌های جانوری این مجموعه با نمونه‌های گزارش‌شده از آرامستان‌های ارمنیان جلفای اصفهان، تخت فولاد، آذربایجان غربی و برخی گورستان‌های تاریخی شمال‌غرب ایران شباهت‌های قابل توجهی دارند (نوراللهی و علی‌لو، ۱۳۹۵؛ شکرپور و جهانمرد، ۱۴۰۰؛ ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰). این شباهت‌ها بیشتر در انتخاب موضوع، نحوه ترکیب‌بندی و تقارن نقوش دیده می‌شود. نقش‌مایه‌های جانوری گاه به صورت قرینه یا در کنار نگاره‌های انسانی ظاهر شده و از نظر فرم با نمونه‌های قاجاری در مناطق مختلف ایران همسانی دارد (ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰؛ شریفی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵).

۶-۵. تحلیل نقش‌مایه‌های ابزار و اشیاء: ابزار و اشیاء برخلاف بسیاری از نقش‌مایه‌های تزیینی، ارتباط مستقیمی با جایگاه اجتماعی، حرفه، شیوهٔ زندگی و حتی باورهای فرد متوفی دارند. بررسی این نقش‌مایه‌ها نشان می‌دهد که هنرمندان، علاوه بر ثبت هویت فردی، کوشیده‌اند بخشی از زندگی و منزلت اجتماعی متوفی را نیز بر سنگ‌قبر بازنمایی کنند. در میان اشیای تصویرشده، قلیان بیشترین فراوانی را دارد و عمدتاً در کنار نگاره مردان دیده می‌شود. هرچند قلیان در نگاه نخست وسیله‌ای روزمره به نظر می‌رسد، اما از دوره صفوی به بعد به یکی از نمادهای مهم معاشرت، مهمان‌نوازی و منزلت اجتماعی در ایران تبدیل شد (پوربختیار، ۱۳۹۹). ازاین‌رو، حضور آن بر سنگ‌قبرها را نمی‌توان صرفاً بازنمایی یک وسیله مصرفی دانست، بلکه این نقش‌مایه احتمالاً بیانگر جایگاه اجتماعی، توان اقتصادی و سبک زندگی متوفی است. کاربرد گسترده این نقش در میان ارمنیان چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد که آنان، ضمن حفظ هویت مذهبی خود، بسیاری از عناصر فرهنگ مادی جامعه پیرامون را نیز پذیرفته بودند. برخی اشیا، مانند عصا، کتاب، صلیب، جام یا دیگر لوازم وابسته به مناسک مذهبی، بیشتر بر سنگ‌قبر کشیشان و شخصیت‌های مذهبی دیده می‌شوند. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که استفاده از ابزار و اشیای شخصی بر سنگ‌قبرها، در دیگر آرامستان‌های ارمنیان ایران، به‌ویژه جلفای اصفهان و تهران، نیز سابقه دارد؛ با این حال، در چهارمحال و بختیاری، قلیان نسبت به سایر اشیا فراوانی بیشتری دارد که این موضوع احتمالاً بازتاب ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه

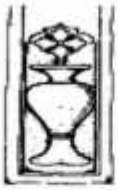
ارمنی این منطقه است. در مقابل، در برخی آرامستان‌های ارمنیان قفقاز، ابزار مذهبی و نمادهای کلیسایی سهم بیشتری در تزیین سنگ‌قبرها دارند که نشان‌دهنده تفاوت‌های منطقه‌ای در انتخاب عناصر تصویری است (Terian, 2005). از منظر هنری، اشیا معمولاً در کنار نگاره‌های انسانی و به‌صورت بخشی از ترکیب‌بندی کلی سنگ‌قبر اجرا شده‌اند و به ندرت به‌صورت مستقل دیده می‌شوند.

۶-۶. تحلیل نقش‌مایه‌های نمادین: بررسی این نقش‌مایه‌ها نشان می‌دهد که صلیب فراوان‌ترین نماد مذهبی است که در اشکال و ترکیب‌های گوناگون بر روی سنگ‌قبرها دیده می‌شود. صلیب، افزون بر آنکه مهم‌ترین نشانهٔ هویت مسیحی است، در هنر تدفینی نماد رستگاری، رستاخیز و پیروزی حیات بر مرگ محسوب می‌شود (Outtier et al., 2019). قرارگیری صلیب در مرکز ترکیب‌بندی بسیاری از سنگ‌قبرها، نشان‌دهندهٔ جایگاه محوری این مفهوم در باورهای دینی ارمنیان است. نمونه‌های مشابه این شیوه ترکیب‌بندی در آرامستان‌های ارمنیان جلفای اصفهان، تهران و قفقاز نیز مشاهده می‌شود (جهانمرد و ولی‌بیگ، ۱۳۹۸؛ Terian, 2005). نماد خورشید نیز از دیگر عناصر قابل توجه این مجموعه است. گل لوتوس نیز از دیگر نقش‌مایه‌های نمادین این مجموعه است. نمونه‌های مشابه این نقش‌مایه در سنگ‌قبرهای جلفای اصفهان و برخی آثار هنری ارمنی گزارش شده است (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۷). از دیگر عناصر قابل توجه، دایره بالدار است که پیشینه‌ای دیرینه در هنر ایران باستان دارد (شهبازی، ۱۳۹۰). هرچند این نقش‌مایه در مقایسه با صلیب یا خورشید فراوانی کمتری دارد، اما حضور آن نشان می‌دهد که بخشی از حافظه نمادین جوامع کهن، حتی پس از تغییرات دینی، همچنان در هنر یادمانی باقی مانده است. مقایسه این نمادها با نمونه‌های آرامستان‌های ارمنیان جلفای اصفهان، تخت فولاد و برخی گورستان‌های تاریخی قفقاز نشان می‌دهد که از نظر انتخاب موضوع و مفاهیم کلی، شباهت‌های فراوانی میان آن‌ها وجود دارد (جهانمرد و ولی‌بیگ، ۱۳۹۸؛ خدادادی و همکاران، ۱۳۹۷). جالب آنکه اثر این نمادها را می‌توان حتی در هنرهای کاربردی نظیر قالی‌های ارمنی‌باف نیز مشاهده کرد (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین، نقش‌مایه‌های سنگ‌قبرهای مورد مطالعه در عین دارا بودن معانی نمادین خاص، ترکیبی از مفاهیم مسیحی و فرهنگ بومی را در خود دارند؛ ترکیبی که همزیستی و تأثیر متقابل سنت‌های ارمنی و اسلامی را به‌روشنی نشان می‌دهد (جدول ۵).

۶-۷. تحلیل کتیبه‌ها : بررسی کتیبه‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده آن‌ها به زبان و خط ارمنی نگاشته شده‌اند و تاریخ وفات نیز غالباً بر اساس گاه‌شماری میلادی ثبت شده است. این ویژگی، در شرایطی که محیط پیرامون از زبان فارسی و تقویم هجری قمری استفاده می‌کرد، بیانگر پایبندی جامعه ارمنی به سنت‌های مذهبی و فرهنگی خود و تلاشی آگاهانه برای حفظ هویت قومی در بستر جامعه ایرانی است (Kouymjian, 1997). از منظر ساختار بصری، کتیبه‌ها معمولاً در قاب‌هایی منظم و اغلب محرابی‌شکل جای گرفته‌اند. این شیوه قاب‌بندی، افزون بر ایجاد نظم در ترکیب‌بندی سنگ‌قبر، شباهت قابل‌توجهی با کتیبه‌های سنگ‌قبرهای اسلامی دوره صفوی و قاجار دارد. با این حال، تفاوت در زبان، نوع خط و مضامین مذهبی، هویت مستقل این آثار را حفظ کرده است. از نظر محتوایی، بسیاری از کتیبه‌ها فراتر از ثبت نام و تاریخ وفات هستند و اطلاعاتی درباره جایگاه مذهبی، روابط خانوادگی و منزلت اجتماعی متوفی در اختیار قرار می‌دهند. برای نمونه، ذکر عنوان‌های مذهبی برای برخی افراد یا اشاره به نسبت‌های خانوادگی، بیانگر اهمیت ساختار خانواده و جایگاه کلیسا در جامعه ارمنی است. همچنین، وجود سنگ‌قبرهای زوجی و ثبت مشخصات دو نفر بر روی یک سنگ، نشان‌دهنده اهمیت نهاد خانواده و تداوم پیوندهای خانوادگی حتی در فضای یادمانی گورستان‌ها است. این شیوه یادمان‌سازی در دیگر آرامستان‌های ارمنیان ایران، به‌ویژه جلفای اصفهان، و همچنین در برخی گورستان‌های تاریخی ارمنیان قفقاز نیز مشاهده می‌شود (Terian, 2005؛ مارکاریان، ۱۳۸۹). تطبیق تاریخ‌های درج‌شده بر سنگ‌قبرها با منابع مکتوب و اسناد تاریخی نشان می‌دهد که این مجموعه عمدتاً به فاصله زمانی صفویه تا پهلوی تعلق دارند. شباهت نقوش و نوع حجاری با قبور اسلامی منطقه نشان می‌دهد که فرهنگ بومی نیز بر آن مؤثر بوده است. هر چند نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که بر اساس تحقیقات محلی، بسیاری از سنگ‌قبرها توسط استادکاران سنگ‌تراش مسلمان (مخصوصاً

سنگ‌تراشان هفشجان) کار شده‌اند. از نظر کارکرد اجتماعی و خانوادگی، نمونه‌هایی همچون سنگ‌قبرهای زوجی، کارکردی فراتر از یادبود فردی دارند و در حکم نشانه‌ای از پیوندهای خانوادگی و جایگاه زن در جامعهٔ ارمنی آن دوره عمل می‌کنند. مورد سنگ‌قبر مریم (وفات ۱۹۰۰) و گلنبات (وفات ۱۹۱۱) که هر دو همسر فردی به نام آبکار بوده‌اند، نمایانگر تأکید بر تداوم خانوادگی و جایگاه زنان در روایت‌های یادمانی است. چنین شواهدی را می‌توان با سنت‌های مشابه در جوامع ارمنی جلفای اصفهان یا سنگ‌قبرهای ارمنی قفقاز مقایسه کرد که در آنها نیز اهمیت خانوادگی و مذهبی در قالب نوشتاری و تصویری بازنمایی شده است (Terian, 2005: 141؛ مارکاریان، ۱۳۸۹: ۴۵). بنابراین، کتیبه‌ها نه تنها اسناد هویتی و دینی‌اند، بلکه در مقام «متون اجتماعی» عمل کرده و شبکه‌های خانوادگی و اعتقادی را بازتاب می‌دهند.

جدول ۵. طرح‌هایی از نقوش حجاری‌شده روی سنگ قبر گورستان‌های ارمنیان چهارمحال و بختیاری(نگارندگان، ۱۴۰۵).

نقش‌مایه های گیاهی و جانوری	 مکان: گورستان سیرک	 مکان: گورستان معموره	 مکان: گورستان کنرک علیا	 مکان: گورستان کنرک علیا	 مکان: گورستان معموره
نقش‌مایه های انسانی	 مکان: گورستان آزادگان	 مکان: گورستان سیرک	 مکان: گورستان سیرک	 مکان: گورستان معموره	 مکان: گورستان سیرک
نقش‌مایه های اشیاء و نمادها	 مکان: گورستان قلعه سمکا	 مکان: گورستان آزادگان	 مکان: گورستان وستگان	 مکان: گورستان وستگان	 مکان: گورستان حاجی آباد

جدول ۶. نمونه نقش مایه های نمادین سنگ قبرهای گورستان‌های ارمنیان چهارمحال و بختیاری(نگارندگان، ۱۴۰۵)

نگاره های انسانی	نگاره های گیاهی	نگاره های حیوانی	نگاره‌های ابزار آلات	نگاره‌های نمادین
نگاره کشیش  مزارستان معموره	نگاره گل  مزارستان لیواسگان	نگاره پرنده  مزارستان کنرک علیا	نگاره قیچی و شانه  مزارستان آزادگان	نگاره خورشید  مزارستان لیواسگان

نگاره خانم	نگاره گل	نگاره بره	نگاره تفنگ، خنجر، تبر	نگاره صلیب
				
مزارستان آقبلاغ	مزارستان کتک	مزارستان حاجی آباد	مزارستان سیرک	مزارستان حاجی آباد
نگاره مرد	نگاره گل	نگاره اسب	نگاره خیش	نگاره فرشته بالدار
				
مزارستان لیواسگان	مزارستان لیواسگان	مزارستان سیرک	مزارستان قلعه ممکا	مزارستان قلعه ممکا
نوراللهی و علی‌لو، ۱۳۹۵، اشکال ۶ تا ۲۴	صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳، جدول ۱ و ۲.	ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰، جدول۴.	شریفی‌نیا و لشکری، ۱۳۹۷، جدول۱.	جهانمرد و ولی بیگ، ۱۳۹۸، شکل ۵.
شکرپور و جهانمرد، ۱۴۰۰، جدول ۴، اشکال ۱۶ تا ۲۰	مهرابی، ۱۳۹۵، تصویر ۱۶.	شریفی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵، تصاویر۶ و ۱۱	شکرپور و جهانمرد، ۱۴۰۰، جدول ۴.	خدادادی و همکاران، ۱۳۹۷، اشکال ۱ تا ۱۵.

۷. نتیجه‌گیری

آرامستان‌های ارمنیان چهارمحال و بختیاری شواهد ارزشمندی از حضور و فعالیت این جامعه از دوره صفویه تا پهلوی در ایران ارائه می‌دهند و سنگ‌قبرهای آن‌ها منبعی مهم برای شناخت فرهنگ، هنر، باورهای مذهبی و ساختار اجتماعی ارامنه این منطقه به شمار می‌روند. در این پژوهش، سنگ‌قبرهای هفده آرامستان ارمنیان چهارمحال و بختیاری بررسی شد. نتایج نشان داد که بر اساس تاریخ‌های ثبت‌شده، قدمت این آرامستان‌ها از دوره صفویه تا پهلوی را در بر می‌گیرد و با پیشینهٔ تاریخی استقرار ارامنه در منطقه همخوانی دارد. تمامی سنگ‌قبرها به‌صورت افقی و با طرح کلی مستطیلی ساخته شده‌اند و از نظر شکل و شیوه حجاری در چهار گروه محرابی، تابوتی، گهواره‌ای و ساده قابل طبقه‌بندی هستند. بررسی جنس سنگ‌ها نشان داد که عمدتاً از تراورتن و مرمریت، به‌عنوان مصالح بومی منطقه، استفاده شده است. همچنین، تفاوت ابعاد سنگ‌قبرها احتمالاً با ویژگی‌های فردی و جایگاه اجتماعی متوفیان ارتباط داشته است. نقش‌مایه‌های حجاری‌شده را می‌توان در پنج گروه اصلی شامل نگاره‌های انسانی، گیاهی، جانوری، اشیا و ابزار، و نمادهای مفهومی و انتزاعی دسته‌بندی کرد. این نقوش علاوه بر جنبه‌های تزئینی، با جنسیت، حرفه و گاه جایگاه اجتماعی متوفیان ارتباط داشته و نشان‌دهنده باورهای فرهنگی و مذهبی جامعهٔ ارمنی هستند. نگاره‌های انسانی اغلب به‌صورت واقع‌گرایانه و ایستاده، گاه سوار بر اسب یا همراه فرشتگان تصویر شده‌اند. نقوش گیاهی به دو شیوهٔ طبیعی و هندسی اجرا شده و تصاویر جانوری، از جمله اسب، شیر و پرندگان، در برخی موارد شباهت‌هایی با سنگ‌قبرهای اسلامی دوره قاجار نشان می‌دهند. همچنین ابزارها و اشیایی مانند قلیان، شانه و قیچی، بیانگر جنبه‌هایی از سبک زندگی و هویت اجتماعی متوفیان هستند. نمادهایی مانند صلیب، محراب، خورشید، گل هشت‌پر و دایره بالدار نیز بیانگر مفاهیم مذهبی و در برخی موارد می‌توانند بازتابی از تداوم برخی سنت‌ها و نمادهای کهن در بستر فرهنگ مسیحی ارمنی باشند. کتیبه‌های سنگ‌قبرها به خط و زبان ارمنی و بر اساس گاه‌شماری میلادی نگاشته شده‌اند و معمولاً در قاب‌های مستطیلی یا محرابی قرار گرفته‌اند. این کتیبه‌ها افزون بر ارائه اطلاعاتی مانند نام، تاریخ وفات و جنسیت متوفی، مفاهیم مذهبی و اجتماعی را نیز منتقل می‌کنند. در نمونه‌های زوجی، پیوندهای خانوادگی و جایگاه زنان در جامعه ارمنی نیز به‌خوبی بازتاب یافته است. استفاده از زبان و خط ارمنی در محیطی که زبان فارسی و گاه‌شماری هجری رواج داشته، نشان‌دهنده تلاش این جامعه برای حفظ هویت فرهنگی و مذهبی خود است. مقایسهٔ یافته‌ها با دیگر آرامستان‌های ارمنیان ایران، به‌ویژه جلفای اصفهان، و نیز قبرستان‌های اسلامی غرب و مرکز ایران نشان می‌دهد که سنگ‌قبرهای

ارمنیان چهارمحال و بختیاری ضمن حفظ ویژگی‌های هویتی و مذهبی خود، از سنت‌های هنری و فرهنگی محیط پیرامون نیز تأثیر پذیرفته‌اند. ازاین‌رو، بیشتر این نقوش در عین دارا بودن معانی نمادین خاص، متأثر از فرهنگ منطقه، اعتقادات و موقعیت زمانی و مکانی خود هستند. مطالعهٔ تطبیقی با دیگر آرامستان‌های ارمنیان ایران، به ویژه جلفای اصفهان، و مقایسه با قبرستان‌های اسلامی غرب و مرکز ایران نشان می‌دهد که سنگ‌قبرهای چهارمحال و بختیاری در عین حفظ اصالت فرهنگی ارمنی، تحت تأثیر فرهنگ بومی و سنت‌های هنری اسلامی ـ ایرانی نیز قرار گرفته‌اند. بنابراین، سنگ‌قبرهای ارمنیان چهارمحال و بختیاری ترکیبی از هویت قومی، باورهای مذهبی و تأثیرات فرهنگی محیط پیرامونی را نشان می‌دهند. این آثار نه تنها به عنوان یادبود فردی، بلکه به عنوان مدارکی ارزشمند از شبکه‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی جامعه ارمنی عمل می‌کنند و امکان مطالعهٔ تعامل فرهنگی و هنری بین ارامنه و جامعه مسلمان منطقه را فراهم می‌آورند.

سپاسگزاری

نویسندگان از تمامی افرادی که با ارائه دیدگاه‌های علمی، راهنمایی‌ها و همکاری‌های ارزشمند خود در تدوین و تکمیل این مقاله نقش داشته‌اند، صمیمانه قدردانی می‌کنند. همچنین از داوران ناشناس نشریه به دلیل بررسی دقیق مقاله و ارائه پیشنهادهای سازنده که موجب ارتقای کیفیت علمی و محتوایی پژوهش شد، سپاسگزاری می‌شود.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافع مالی، سازمانی، شغلی یا شخصی با افراد، نهادها و سازمان‌های مرتبط ندارد.

حامیان مادی و معنوی

این پژوهش از هیچ منبع مالی یا نهاد حمایتی خاصی تأمین اعتبار نشده است و تمامی مراحل پژوهش، تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله به‌صورت مستقل انجام شده است. از همکاری اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان چهارمحال و بختیاری در فراهم‌سازی دسترسی به پرونده‌های ثبتی و اطلاعات مرتبط با آثار مورد مطالعه، قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

نوسینده اول (واحد جولائی) ایده‌پردازی پژوهش، گردآوری یافته‌ها، نگارش اولیه مقاله و تحلیل داده‌ها، بازبینی و اصلاح متن مقاله و ارائه دیدگاه‌های تخصصی را بر عهده داشته است. نویسنده دوم (فاطمه نظیفی) در طراحی پژوهش، گردآوری اطلاعات، تهیه جداول و شکل‌ها مشارکت داشته است. نویسنده سوم (خسرو احمدی خویی) بررسی علمی و اصلاح محتوای مقاله را انجام داده اند. نسخه نهایی مقاله به تأیید هر سه نویسنده رسیده است.

روش دسترسی به اطلاعات و داده‌ها

داده ها با درخواست مخاطبان از نویدسنگان قابل دریافت است.

پی‌نوشت‌ها

[1] سنگ قبرهای مزارستان ارمنیان سیرک که در نزدیکی شهر هفشجان قرار دارد تماماً از این سنگ استفاده شده است که از کوه های جهانبین بدست آمده است. و هم‌اکنون محله‌ای با نام سنگ‌تراشان در این شهر گویای این مطلب است. استفاده از سنگ معدن شمالی شهر هفشجان به نام «بز لَر» و وجود سنگ تراشان بومی، ساخت بردشیر و هنر گور نوشته ها گورستان‌های این شهر را در زمره آثار ملی قرار داده است . نمونه این سنگ‌قبرهای تراشیده و منقّش را در گورستان-های قدیمی اغلب روستاها و شهرهای چهارمحال و بختیاری و خوزستان، می‌توان دید (قنبری عدیوی، ۱۳۹۸: ۱۸).

پذیرفته شده آماده انتشار

منابع

احمدی، عباسعلی. (۱۴۰۲). نقوش و مضامین تزیینی سنگ‌قبرهای برخوار در دوره‌های صفوی تا قاجار. نگارینهٔ هنر اسلامی، ۱۰(۲۵)، ۲۰۵–۲۲۳. https://doi.org/10.22077/nia.2023.6235.1715

آرامیان، آرا. (۱۳۷۵). تاریخ ارامنهٔ ایران. دانشگاه تهران.

آروین، عباسعلی، قانقرمه، عبدالعظیم، حاجی‌پور، داور، و حیدری، مهران. (۱۳۹۵). بررسی روند تغییرات برخی عناصر اقلیمی در استان چهارمحال و بختیاری. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۶، ۱۵۳–۱۷۶. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22287736.1395.16.41.8.1

آقانیان، هایریک. (۱۳۹۹). به مناسبت نودمین سال تأسیس انجمن فرهنگی ارامنهٔ چهارمحال. ترجمهٔ آرمیک نیکوقوسیان. فصلنامهٔ پیمان، ۲۴(۹۳)، ۶–۵۱.

بینام. (۱۴۰۱). سالنامهٔ آماری استان چهارمحال و بختیاری (۱۴۰۰). معاونت برنامه‌ریزی استانداری چهارمحال و بختیاری.

بینام. (۱۳۹۲). گزارش اقتصادی و اجتماعی استان چهارمحال و بختیاری. معاونت برنامه‌ریزی استانداری چهارمحال و بختیاری.

پوربختیار، غفار. (۱۳۹۹). قلیان و قلیان‌کشی و نقش آن در تمایزات اجتماعی ایران در عصر ناصرالدین شاه قاجار. فصلنامهٔ علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا، ۳۰(۴۷)، ۶۱–۸۵. https://doi.org/10.22051/hii.2020.31464.2246

پویان، جواد، و خلیلی، مژگان. (۱۳۸۹). نشانه‌شناسی نقوش سنگ‌قبرهای دارالسلام شیراز. ماهنامهٔ کتاب ماه هنر، ۹۸–۱۱۵.

تاجبخش، احمد. (۱۳۷۳). تاریخ صفویه. نوید.

جهانمرد, بهاره و محمدزاده, مهدی . (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی نقوش مشاغل سنگ مزارات آرامستان تخت فولاد با ارامنه جلفای اصفهان. جلوه هنر, ۱۵(۱), ۷-۲۳. https://doi.org/10.22051/jjh.2023.41486.1841

جولایی، واحد، و نظیفی، فاطمه. (۱۳۹۹). گورستان‌های ارمنیان استان چهارمحال و بختیاری. فصلنامهٔ پیمان، ۹۳–۹۴، ۵۲–۶۴.

جولائی، واحد، و احمدی، خسرو. (۱۴۰۳). پیوند معماری ایرانی – ارمنی دورهٔ قاجاریه در چهارمحال‌وبختیاری (مطالعهٔ موردی: کلیسای هوهانس مقدس). پژوهش‌های باستان‌شناسی زاگرس، ۱(۲)، ۲۰۹–۲۲۸. https://doi.org/10.22034/z.a.r.2025.722743

جهانمرد، بهاره، و ولیبیگ، نیما. (۱۳۹۸). بررسی تناسب و ترکیب‌بندی سنگ‌مزارهای با نقش‌مایهٔ فرشته در آرامستان ارامنهٔ جلفای اصفهان. فصلنامهٔ نگره، ۱۴(۵۲)، ۵۳–۶۷. https://doi.org/10.22070/negareh.2019.4069.2085

خدادادی، علی، صفی‌خانی، نینا، و احمدپناه، سید ابوتراب. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی نقش‌مایهٔ فرشته در سنگ قبور آرامگاه ارامنه و تخت‌فولاد اصفهان. نشریهٔ هنرهای زیبا– هنرهای تجسمی، ۳(۲۳)، ۸۳–۹۲. https://doi.org/10.22059/jfava.2018.227470.665609

رسولی، عاطفه، و میری آهودشتی، میثم. (۱۴۰۱). نگاهی بر نتایج حاصل از گمانه‌زنی و تحلیل نقوش نمادین سنگ‌نگاره‌های گورستان تاریخی سفیدچاه. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۱۲(۳۳)، ۲۶۷–۲۹۱. https://doi.org/10.22059/jfava.2018.227470.665609

سانسون، نیکلا. (۱۳۴۶). سفرنامهٔ سانسون. چاپخانهٔ زیبا.

ستارنژاد، سعید، راه‌چمنی، علی‌اکبر، و پروین، صمد. (۱۴۰۰). مطالعه، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی سنگ‌قبرهای دوران ایلخانی تا قاجاریه در ایران. مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی، ۲(۱)، ۹۳–۱۱۰. https://doi.org/10.22080/jiar.2021.3221

سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۸۸). سرزمین و مردم استان چهارمحال و بختیاری. تهران: آرام.

سلطانی‌نژاد، آرزو، بروجنی، فرهمند، و ژوله، تورج. (۱۳۹۳). تجلی نمادها در قالی ارمنی‌باف ایران. فصلنامهٔ نگره، ۳(۳۰)، ۴۷–۶۱.

شاپور شهبازی، علیرضا. (۱۳۹۰). جستاری درباره یک نماد هخامنشی: فروهر، اهورامزا یا خورنه؟. نشر و پژوهش شیرازه.

شاردن، ژان. (۱۳۶۳). سفرنامهٔ شاردن (ترجمهٔ اقبال یغمایی).تهران: امیرکبیر.

شاهمندی، اکبر، و شهیدانی، شهاب. (۱۳۹۲). نقش‌های ماندگار– سیری در آرایه‌های قبور ارامنهٔ ایران. مؤلف.

شاهمندی، اکبر. (۱۳۹۲). بررسی و مقایسهٔ تطبیقی طشت‌آب‌های قبور در آرامگاه‌های تخت‌فولاد و ارامنهٔ اصفهان. هنرهای زیبا ـ هنرهای تجسمی، ۱(۱)، ۱–۱۳. https://doi.org/10.22059/jfava.2013.36269

شجاع‌دل، نادره. (۱۳۸۶). معرفی گورستان‌های ارمنیان استان آذربایجان غربی. فصلنامهٔ فرهنگی پیمان، ۱۱(۴۱).
شریفی‌نیا، اکبر، ساریخانی، مجید، دولت‌یاری، عباس، و قائمی، نعیمه. (۱۳۹۵). شناخت و بررسی مضامین و نقوش تزیینی سنگ قبور شهرستان دره‌شهر در استان ایلام. نشریهٔ هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۲۱(۱)، ۲۱–۳۵.
https://doi.org/10.22059/jfava.2016.57707
شکرپور، شهریار، و جهانمرد، بهاره. (۱۴۰۰). تجلی و تجسد در مطالعه تطبیقی نقوش سنگ‌قبرات آرامستان تخت‌فولاد با ارامنهٔ جلفای اصفهان بر مبنای قرآن کریم و انجیل. فصلنامهٔ قرآن، فرهنگ و تمدن، ۲، ۶۶–۹۱.
https://doi.org/10.22034/jksl.2022.327911.1063
صفی‌خانی، نینا، احمدپناه، سید ابوتراب، و خدادادی، علی. (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت‌فولاد اصفهان. نشریهٔ هنرهای زیبا – هنرهای تجسمی، ۱۹(۴)، ۶۷–۷۶. https://doi.org/10.22059/jfava.2014.55422
علی‌نژاد، روجا. (۱۳۹۳). سفیدچاه، نمایهای فراتر از یک گورستان: شناخت و بررسی مضامین و نقوش تصویری گورستان سفیدچاه. نشریهٔ هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ۱۹(۲)، ۴۹–۵۶. https://doi.org/10.22059/jfava.2014.51439
قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۹۸). بَردِشیر (شیرسنگی) در فولکلور و دانش بومی بختیاری. دو فصلنامهٔ دانش‌های بومی ایران، ۶(۱۱)، ۱–۴۷.
قنبری عدیوی، عباس. (۱۴۰۰). جستاری در تاریخ، فرهنگ و هنر ارمنیان چهارمحال و بختیاری. فصلنامهٔ پیمان، ۲۵(۲۴۸)، ۴۹–۷۳.
کبیرصابر، محمدباقر. (۱۳۹۱). آثار سنگی تمدن اسلامی در گورستان‌های ارامنهٔ تبریز. باغ نظر، ۹(۲۳)، ۷۵–۸۲.
منصوری,کاوه , مسعود,محمد و ایزدی,محمد سعید . (۱۳۹۸). شناخت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری گورستان‌های تاریخی (با تأکید بر گورستان‌های تاریخی شهر تهران). باغ نظر, ۱۶(۷۵), ۱۵-۳۲. https://doi.org/10.22034/bagh.2019.59571.2708
مهدوی، سید محمد صادق، و توکلی قینانی، فرحناز. (۱۳۸۸). هویت قومی ارامنه: مطالعهٔ جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی ارامنه (مطالعه بر روی ارامنهٔ تهران). مجلهٔ پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۳(۴)، ۷۱–۱۰۱.
نورالهی، علی، و علی‌لو، سارا. (۱۳۹۵). قوم باستان‌شناختی گورنگاره‌های ارمنیان شرق زاگرس مرکزی. فصلنامهٔ پیمان، ۷۹.
هاشمی دهکردی، سید جواد. (۱۳۸۲). تاریخ فراموش‌شده ۳۵۰ سال زندگی ارامنهٔ چهارمحال. نائیری.
هوسپیان، شاهن. (۱۳۹۴). چند کلیسای ارمنی ایران در یک نگاه. فصلنامهٔ فرهنگی پیمان، ۱۹(۷۴).
هولستر، ارنست. (۱۳۸۲). هزار جلوه زندگی- تصویرهای ارنست هولستر از عهد ناصری. میراث فرهنگی.
هولستر، ارنست. (۱۳۵۴). ایران در یکصد و سیزده سال پیش (ترجمهٔ محمد عاصمی). وزارت فرهنگ و هنر.
هویان، آندرانیک. (۱۳۸۳). اشتراکات و روابط فرهنگی ایرانیان و ارمنیان. فصلنامهٔ مطالعات ملی، ۵(۱).

Aghanian, H. (2020). On the occasion of the 90th anniversary of the establishment of Chaharmahal Armenian Cultural Association (A. Nikoghosian, Trans.). *Payman Cultural Quarterly*, 24(93), 6-51. [In Persian]
Ahmadi, A. (2023). Decorative motifs and themes of the tombstones of Barkhar from the Safavid to Qajar periods. Negarineh-e Honar-e Eslami, 10(25), 205–223. [In Persian] https://doi.org/10.22077/nia.2023.6235.1715
Alinejad, R. (2014). Sefid Chah, an index beyond a cemetery: Recognition and investigation of visual motifs and subjects of Sefid Chah cemetery. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Tajassomi*, 19(2), 49-56. [In Persian] https://doi.org/10.22059/jfava.2014.51439
Anonymous. (2013). *Economic and social report of Chaharmahal and Bakhtiari province*. Deputy of Planning of the Governorate Publications. [In Persian]
Anonymous. (2022). *Statistical yearbook of Chaharmahal and Bakhtiari province (2021)*. Chaharmahal and Bakhtiari Governor's Planning Deputy Publications. [In Persian]
Aramian, A. (1996). *History of Iranian Armenians*. University of Tehran Press. [In Persian]
Arsalan, A. S. (2017). "Taslar Konusur": Turk ÜRK Mezar Taslarinin Bicim Dili. *Uluslararası Türkçe Edebiyat Kültür Eğitim (TEKE) Dergisi*, 6(3), 1923-1937.
Arvin, A., Ghanghermeh, A., Hajipour, D., & Heidari, M. (2016). Barrasi-ye ravand-e taghyirat-e barḵi anāṣer-e eqlimi dar Ostān-e Chaharmahal va Bakhtiari [Investigation of trends in some climatic elements in Chaharmahal and Bakhtiari Province] Applied Research in Geographical Sciences, 16(41), 153–176 [In Persian]. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22287736.1395.16.41.8.1
Berkli, Y. (2013). AZERBAYCAN-BAKÜ'DE BULUNAN İNSAN HEYKEL BİÇİMLİ MEZAR TAŞLARI VE ORTA ASYA-AZERBAYCAN-ANADOLU İLİŞKİSİ. *Türk Kültürü Ve Hacı Bektaş Veli Araştırma Dergisi*, *61*, 27-42. https://izlik.org/JA78AU48MB

Chahin, M. (2001). *The kingdom of Armenia: A history*. London: Curzon Press.
Chardin, J. (1984). *Chardin's travelogue* (I. Yaghmaei, Trans.). Amir Kabir Publications. [In Persian]
Dehkordi, A. D., Farsani, N. T., & Hairapetian, V. (2025). Geotourism Potential in the Zagros Simply Folded Zone: Chaharmahal and Bakhtiari Province. *Geoconservation Research*, *8*(1).
Furtun, S. (2014). Igdir-Karakoyunlu Tarihi Mezar Taslari. *Turkish Studies*, 9(12).
Ghanbari Adivi, A. (2019). Bardeshir (Stone Lion) in folklore and indigenous knowledge of Bakhtiari. *Journal of Indigenous Knowledge of Iran*, 6(11), 1-47. [In Persian]
Ghanbari Adivi, A. (2021). A study on the history, culture and art of Armenians in Chaharmahal and Bakhtiari. *Payman Cultural Quarterly*, 25(97), 49-73. [In Persian]
Hashemi Dehkordi, S. J. (2003). *The forgotten history of 350 years of Armenian life in Chaharmahal*. Nairi Publications. [In Persian]
Hoeltzer, E. (1975). *Iran as it was 113 years ago* (M. Aasemi, Trans.). Ministry of Culture and Art. [In Persian]
Hoeltzer, E. (2003). *Thousand views of life: Ernst Hoeltzer's images of the Naseri era*. Cultural Heritage Organization. [In Persian]
Houyan, A. (2004). Cultural commonalities and relations between Iranians and Armenians. *National Studies Quarterly*, 5(1). [In Persian]
Hovsepian, S. (2015). A glance at some Armenian churches in Iran. *Payman Cultural Quarterly*, 19(74). [In Persian]
Jahanmard, B., & MohammadZadeh, M. (2023). A comparative study of occupation motifs on the tombstones of Takht-e Foulad cemetery and Armenian cemetery of New Julfa in Isfahan. *Jelve-y-Honar*, 15(1), 7-23. [In Persian] https://doi.org/10.22051/jjh.2023.41486.1841
Jahanmard, B., & Vali Beig, N. (2019). Study of proportion and composition in the tombstones with angel motifs in Armenian cemetery of New Julfa in Isfahan. *Negareh*, 14(52), 53-67. [In Persian] https://doi.org/10.22070/negareh.2019.4069.2085
Joolaee, V., & Ahmadi, K. (2024). The connection between Iranian-Armenian architecture of the Qajar period in Chaharmahal and Bakhtiari (Case study: Saint Hovhannes Church). *Zagros Archaeological Research*, 1(2), 209-228. [In Persian] https://doi.org/10.22034/z.a.r.2025.722743
Joolaee, V., & Nazifi, F. (2020). Armenian cemeteries in Chaharmahal and Bakhtiari province. *Payman Cultural Quarterly*, 24(93-94), 52-64. [In Persian]
Kabir Saber, M. B. (2013). Islamic civilization stone arts in Tabriz Armenian cemeteries. *Bagh-e Nazar*, 9(23), 75-82. [In Persian]
Khodadadi, A., Safikhani, N., & Ahmadpanah, S. A. (2018). A comparative study of angel motifs in tomb stones of Armenian cemetery and Takht-e Foulad in Isfahan. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Tajassomi*, 23(3), 83-92. [In Persian] https://doi.org/10.22059/jfava.2018.227470.665609
Kouymjian, D. (1997). Armenia from the Fall of the Cilician Kingdom (1375) to the Forced Emigration under Shah Abbas (1604). In R. G. Hovannisian (Ed.), *The Armenian People from Ancient to Modern Times* (Vol. 2, p. 213). St. Martin's Press.
Mahdavi, S. M. S., & Tavakoli Ghinani, F. (2010). Ethnic identity of Armenians: A sociological study of factors affecting ethnic continuity of Armenians (A case study of Armenians in Tehran). *Journal of Sociological Research*, 3(4), 71-101. [In Persian]
Mansouri, K., & Masoud, M. (2019). Understanding the factors affecting the formation of historical cemeteries (With emphasis on the formation of Tehran cemeteries). *Bagh-e Nazar*, 16(77), 15-32. [In Persian] https://doi.org/10.22034/bagh.2019.59571.2708
Mytum, H. (2004). *Mortuary monuments and burial grounds of the historic period*. Springer Science & Business Media.
Naeimi, M., & Sarga, F. (2023). Archaeology of fear, bond, and trade: Funerary inscriptions in Armenian cemeteries in Markazi Province, Iran. In *Sidestone Press publication chapter*.
Nourallahi, A., & Alilu, S. (2016). Ethnoarchaeology of the Armenian tombstones in the East of Central Zagros. *Payman Cultural Quarterly*, 20(79). [In Persian]
Outtier, B., Horn, C. B., Lourié, B., & Ostrovsky, A. (2019). *Armenia Between Byzantium and the Orient: Celebrating the Memory of Karen Yuzbashian (1927–2009) (Vol. 16). Brill.*
Pourbakhtiar, G. (2020). Hookah and its role in social distinctions in Iran during the Naser al-Din Shah Qajar era. *The History of Islam and Iran*, 30(47), 61-85. [In Persian] https://doi.org/10.22051/hii.2020.31464.2246
Pouyan, J., & Khalili, M. (2010). Semiotics of tombstone designs in Dar al-Salam, Shiraz. *Ketab-e Mah-e Honar*, (146), 98-115. [In Persian]
Rasouli, A., & Miri Ahvaz Dashti, M. (2022). A review of the results of test excavations and analysis of symbolic motifs of the petroglyphs of the historical cemetery of Sefid Chah. Iranian Journal of Archaeological Research, 12(33), 267–291. [In Persian]
https://doi.org/10.22059/jfava.2018.227470.665609
Saeidian, A. (2009). *The land and people of Chaharmahal and Bakhtiari province*. Aram Publications. [In Persian]

Safikhani, N., Ahmadpanah, S. A., & Khodadadi, A. (2015). Semiotics of tombstone designs in Takht-e Foulad cemetery in Isfahan. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Tajassomi*, 19(4), 67-76. [In Persian]

Sanson, N. (1967). *Sanson's travelogue*. Ziba Press. [In Persian]

https://doi.org/10.22059/jfava.2014.55422

Satarnejad, S., Rahchamani, A. A., & Parvin, S. (2021). Study, typology and classification of tombstones from Ilkhanid to Qajar periods in Iran. *Journal of Islamic Archaeology Studies*, 2(1), 93-110. [In Persian] https://doi.org/10.22080/jiar.2021.3221

Shahbazi, A. Sh. (2011). An inquiry into an Achaemenid symbol: Faravahar, Ahuramazda, or Khvarenah? Tehran: Shirazeh Publishing and Research. [In Persian]

Shahmandi, A. (2013). Comparative analysis of water basins on tombstones at Takht-e Foolad and Armenian cemeteries in Isfahan. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Tajassomi*, 18(1), 1-13. [In Persian]

https://doi.org/10.22059/jfava.2013.36269

Shahmandi, A., & Shahidani, S. (2013). *Lasting motifs: A journey through the decorations of Armenian tombs in Iran*. Published by the Author. [In Persian]

Sharifi Nia, A., Sarikhani, M., Dolatyari, A., & Ghaemi, N. (2016). Study and investigation of themes and decorative motifs of Darreh Shahr tombstones in Ilam province. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Tajassomi*, 21(1), 21-35. [In Persian] https://doi.org/10.22059/jfava.2016.57707

Shojadel, N. (2007). Introduction to Armenian cemeteries in West Azerbaijan province. *Payman Cultural Quarterly*, 11(41). [In Persian]

Shokarpour, S., & Jahanmard, B. (2021). Manifestation and embodiment in the comparative study of occupation motifs on the tombstones of Takht-e Foulad cemetery and Armenian cemetery of New Julfa in Isfahan based on the Holy Quran and Holy Bible. *Journal of Quran, Culture and Civilization*, 2(4), 66-91. [In Persian] https://doi.org/10.22034/jksl.2022.327911.1063

Soltaninejad, A., Boroujeni, F., & Zhouleh, T. (2014). Manifestation of symbols in Iranian Armenian carpets. *Negareh*, 9(30), 47-61. [In Persian]

Tajbakhsh, A. (1994). *History of the Safavids*. Navid Publications. [In Persian]

Yildirim, O. (2016). The Armenian community in Iran in the modern era. *Iran and the Caucasus*, 20(1), 87–104.

پیش نویس آماده نشر